

محمد حسین و برادرش سید محمد را و پسر محمد عظیم و عبد الله سلمه هم به هم حضرت میان عبد الله فرزند
چهارم حضرت محمد ایوب در جوانی رحلت کردند یک فرزند گداز شدند محمد نعیم نامی
که لا عقب له رحلت کردند حضرت میان عبد الرحیم فرزند پنجم حضرت محمد ایوب
ایشان بانواع کمالات آراسته بودند در قریه میراخوران از غنایاب که نه قند بار است
قلعه نیک و باغهای دلکش و جهان داری بار و نق بهم رسانیده بودند صاحب غزو
افتخار بودند صهر مؤلف این کتاب بودند بمرچیل سابق تقریباً در عین جوانی در
۱۲۹۹ هجری رحلت فرمودند و فرزند خلف گداز شدند میان عبد الاحد میان عبد الحکیم
میان عبد الاحد شخصه باهت و ایهت بود در سفر حجاز بین الحرمین الشریفین در
۱۳۲۹ هجری انتقال نمود و فرزند خلف گداز شدند میان محمد عمر میان محمد فاروق میان
محمد عمر ایک فرزند است میان حسام الدین - میان محمد فاروق را نیز یک فرزند
مسمی ولی محمد سلمه هم به هم حضرت میان حاجی میان عبد الحکیم فرزند دوم حضرت عبد الرحیم
بمر ۵۹ سالگی وقت تحریر این مجلد الهی بکمال رفاهیت در قید حیات اند چهار فرزند دار
میان محمد حسین محمد معصوم غلام نقش بند غلام قادر سلمه هم به هم حضرت میان غلام حسین
فرزند ششم حضرت میان محمد ایوب بود از احوال اولادش آگهی نشد حضرت
میان عبد الکبیر فرزند هفتم حضرت محمد ایوب اند الیوم معتمنین حضرات مجددیه در قند
غالباً وجود شریف ایشان است بمر متفاو ساله تقریباً در قریه شیخ چالای از غنایاب
قند بار برسند بزرگان قائم اند از علوم متداوله و نسبت طریقه حفظ وافر دارند سلمه
ایشان را دو فرزند میان غلام احمد نام فرزند ثانی که صغیر سن اند معلوم نشد میان غلام
از چند سال در بند بطریق ازادگی میگذارند در قند بار یک پسر دار و عبد الله

حضرت غلام النبی فرزند دوم حضرت غلام حسن قدس سره بپا بودند حضرت ایشان بعد از
تخصیص علوم ظاهری کسب کمالات باطنی از خدمت والد خود نمود و اندک مجاز گردیده -
صاحب عمده که فرزند ایشان است میفرماید که نامدار شد و بدستخط جده شریف بنام حضرت
ایشان نزد فقیر موجود است احوال و خوارق عادات حضرت ایشان را بعضی صاحب
عمده نوشته اند - مؤلف گوید حکایتی از کرامات ایشان مسوع از بزرگان خود
دارم و آن اینکه در ۱۲۰۰ هجری که حضرت قیوم جهان قدس سره بسفر حجاز رفتند هر دو
پسران حضرت غلام النبی قدس سره بسبب آنکه مریدشان بودند هم کباب داشتند در
سفر و یا وقتی در نیم شب از غلبه طوفان کشتی ایشان در در طه هلاک آمد حضرت
قیوم جهان هر دو صاحبزادگان یعنی حضرت محمد فضل الله و حضرت ضیاء الحق را فرمود
توجه بوالد خود کنید و استخلاص از طوفان جوئید هم در آن شب حضرت ایشان در قندار
بودند با جامه های نر در خانه خود در آمدند و فرمودند بچه ها مرا امر فرمودند که از غلام بنی مدو
جوئید حاضر شدیم بفضل الهی کشتی از هلاک نجات یافت جامه های خود را بپوشید
و آب شور از آن میر بخت - و العلم عند الله تعالی - در ۱۲۰۰ هجری در و دصد و هشت و شصت
در ماه جمادی الاول بمهر بجهاد و شش سال در قندار طالت فرمودند و شمالی شهر بقدر
نیم میل در مقبره علی محمد مدفون گردیدند ایشانرا پنج پسر خلف شد حضرت محمد فضل الله
شاه ضیاء الحق حضرت شمس الدین میان ولی محمد میان محمد فضل حضرت حاجی محمد فضل
فرزند نخستین حضرت غلام نبی اند مخفی نماند که جمله فرزندان حضرت غلام نبی قدس سره
این دو برادر عینی یعنی حضرت محمد فضل الله و حضرت محمد ضیاء الحق امتیاز کلی داشتند بسبب
امتیاز حقیقه بمضمون کریمه ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء است و بظاهر فرزندیت

حضرت بی بی صاحبہ کلان قدس سرہا کہ بنت اُمّ حضرت قیوم جهان قدس سرہ
 و دختر حضرت سید عطار الدین بخاری است میباشند و حضرت بی بی صاحبہ خلیفہ اعظم
 و جانشین کرم حضرت قیوم جهان بودند و بسا بشارت عالیات از زبان حق ترجمان
 حضرت قیوم جهان در حق حضرت بی بی صاحبہ وارد شده است در عمده مذکور است
 در سفر اخیرین مجازین حضرت بی بی صاحبہ مجہد و فرزندان خود ہم کتاب قیوم جهان
 و سربراہ قافلہ بودند چنانچہ جدا مجد در عمده المقامات احوال کشف و کرامات و نقل
 اجازت نامہ ارشاد کہ حضرت قیوم جهان بی بی صاحبہ را داده اند و احوال سفر حرمین
 الشریفین و رجوع بمزار پیرانوار حضرت صفدر کرار رضی اللہ عنہ بام حضرت سیدالابرار صلی اللہ
 علیہ وسلم و انتقال حضرت بی بی صاحبہ در مراد شریف واقع ملک بلخ بتفصیل نوشتہ
 است الحاصل بعد رحلت حضرت بی بی صاحبہ ہر دو برابر رجوع بوطن افغانستان
 کردند حضرت شاہ ضیاء الحق قدس سرہ در حد و کابل سکونت اختیار نمودند و حضرت
 ایشان صاحب ترجمہ در قندہار مسند نشین حضرت والد ماجد خود گردیدند تولد حضرت
 ایشان در قندہار سال ۱۰۸۰ھ واقع شدہ بعد حصول علوم ظاہری برائے اخذ نسبت بام
 والد خود رجوع بحضرت قیوم جهان کردند و تاحیات ایشان سفر او حضرت را حضور مرشد
 خود ماندند و از حضرت ایشان اجازت نامہ ارشاد کہ عطا شدہ است نقل آن در عمده
 مسطور است کتاب عمده المقامات تصنیف حضرت ایشان است در سفر مائے حرمین
 الشریفین گذر نش بر بلا دسند و بلوچستان مے افتاد و خلق اللہ کثیر از انفا س مبارک
 ایشان فیضیاب شدہ اند کہ تا الیوم احفاد و خلفاء ایشان در این بلا دبیرون از احصاء
 حضرت ایشان در علوم ظاہر فرید ہر دو جید عصر بودند گاہی کہ توجہ نظر میفرمودند در نہایت عمدہ

اور امیر موند تینا چند بیتے ازان ایرادے روو۔

اگر دم اگر زجان تن خود را فداے دل رویشیت پایہ تخت اقالیم سبع زن عالم شنید نعرہ لبیک عبدیش بینی نہان عیان نکوئی عیان نہان آخر چرا بشتیشہ گردون نے رسد تیریت مخفی بسوای دل نہ خون	افشاندہ ام تار محقر پائے دل گریافتی گدا سٹی دولت سرا دل شنیدہ تو نعرہ یارب بناے دل واقف اگر شوی ز تہ پر دے دل سنگ نذازد امن کوہ صدای دل واقف اندوست ہل دل یا خداے دل
--	---

مرآتِ دل ز زنگ حوادث مکدر است

فضل از دوام ذکر خدا کن جلاے دل

آخر بعمونجاہ و چہار سالگی تقریباً در حدود ۳۳ سالہ ہزار و دو صد و سی و ہشت ہم در قندہار رحلت فرمودند و در جنب والدہ مکرم خود آسودند رحمۃ اللہ تعالیٰ رحمۃً وسیعہ حضرت ایٹانرا سو اے بنات پنج فرزند بودند حضرت شاہ حاجی عبد القیوم میاں عبداللہ میاں عبدالقادر میاں عبد اللطیف میاں غلام احمد میاں عبداللہ و جوانی لا ولد رحلت نمودند میاں عبد اللطیف و میاں عبدالقادر ہر دو در صغر سن رحلت نمودند حضرت حاجی شاہ عبد القیوم فرزند نخستین و مسند نشین حضرات آباد اجداد و کرام بودند بشارت تولد ایشان و تعیین نامش بطریق الہام از بی بی صاحبہ کلان قدس سرہ ابوالد شریفش ہم در بلخ رسیدہ بودند در حدود ۳۲ سالہ ہزار و دو صد و بیست حضرت ایشان در قندہار تولد شدہ اند تحصیل علوم ظاہری از اجلہ علماء وقت ہم در قندہار نمودند و تربیت باطن و سلوک طریقت از حضرت والدہ ماجدہ خود یافتہ اند بقتل و القطار

و نوکل و اتباع شیوہ مرضیہ ایشان بود بر طبعش صفت جلالت غالب سوانح عمری
و ملفوظات مبارکش و کراماتش آخوند امید علی سندھی غالباً در کتابے علیحدہ سستی
بقدر سیات قیومی تفصیل و اشباع نوشتہ است احوال شریفش ازان کتاب باید
جست کہ این کتاب گنجایش آن ندارد آخر در سال ۱۱۷۰ و دو صد و ہفتاد و یک در
شہر قندہار رحلت فرمودند و ہم در آن سال و بابائے عظیمی در شہر قندہار افتادہ بود کہ
چندین صد کس روزانہ شکار آن بلیہ بود منقول است کہ روزے حضرت ایشان نہ
کہ این بلار القمہ چربے باید مامیر ویم شمایان را بخدا سپردیم بہان روزیار و دیگر
ایشان بمرض و بیماریا رشدند روز دیگر انتقال فرمودند و اندر آن سال بعد رحلت حضرت
ایشان دیگر کسے را گذندے ازان بیماری نرسید منقول است کہ روز وفات حضرت
ایشان نظر بکتاب ہائے خود کردہ فرمودند کہ مولویان بابا قی ماندند و ما فقیم حضرت ایشان
از صحبت اغنیاء و سلاطین متنفر بودند ہر گاہ مے شنیدند کہ کسے از اہل اہل تشمس مے آید
بیرون شہر بمقبرۃ والد و جد بزرگواران خود تشریف مے بردند خدا مان را میفرمودند
اگر کسے آید بگوئید فلانے بیرون رفته است روزے حاکم وقت بے اطلاع برد و از
رسیدند نوکرش سبقت کردہ بخدمت عرض کرد کہ سرور صاحب اینک رسیدند حضرت
ایشان فرمودند بابا چکنم کہ رسیدند ہم چنانچہ بر مصلی نشستہ بودند نشستہ ماندند حاکم
وقت آمدہ بادب تمام دور تر بر بوریاے سجد نشستند ساعتی جملہ در سکوت بودند
آخر از رخصت پذیر گشت آخر در سنہ مذکورہ انتقال فرمودند و در جنب والد خود
جا گرفتند رحمۃ اللہ تعالیٰ حضرت ایشان سوائے بنات ہشت فرزند داشتند
حضرت حاجی عبدالرحمان حضرت غلام عبید اللہ محمد بچہ غلام محمد عبدالستار عبدالفتاح

عبدالحق محمد امین - محمد یحیی و غلام محمد و عبد الشبار و عبد الفتاح و محمد امین این هفت پنج صاحبزاده در صغر سن رحلت نمودند میان عبدالحق در عین ایام شباب بغزالی آب رودار غناب شهید شدند در حدود ۱۲۸۰ لاولد رحلت کردند فرزند نخستین حضرت ایشان قدوة العارفين قبلتی و والدی و مرشدی حضرت شیخ عبدالرحمان المجدوی القیومی قدسنا الله تعالی بستره الاقدس بودند تولد حضرت ایشان در ۱۲۴۴ هزار و دویست و دو چهل و چهار در شهر قندهار واقع شده تربیت اول ایام طفلی از والد ماجد خود یافته چون بسن شعور رسیده اند تحصیل علوم از علماء وقت چون مولوی حبیب الله صاحب مصنف معتنم در اصول فقه و غیره مشغول شده اند در سن هفده سالگی از تحصیل علوم ظاهری فراغت یافته از والد ماجد خود تحصیل نسبت قیومی پرداخته اند و در ۱۲۶۰ بخدمت والد مکرم خود و تمامی عیال و اطفال بسفر حرمین الشریفین رفته اند بعد یک سال سکونت آن دیار شریف رجوع از راه سنده بکندهار نموده اند و بعد رحلت والد ماجدش در ۱۲۸۰ برسند ارشاد داشتند و بسا خلق الله از برکات انفاس مبارکش بسا حل نجات بل بساحت معرفت رسیدند سوانح عمری حضرت ایشان بایان ملفوظات مبارکات و کرامات و تحریرات علمی و وظائف یومی و لیلی جمله کترین غلامانش مؤلف این کتاب در کتابی علیحدہ مسمی به انیس المریدین بتفصیل در مقدار دویست و پنجاه نوشته طبع کنانیده است هر که اراده تفصیل احوال حضرت ایشان کند آن کتاب را مطالعه فرمایند که در آن سوائے امور مذکوره فوائد جلیله ثبت است سفر حرمین الشریفین هفت مرتبه کرده بوده در ۱۲۹۰ بعد انصرام غزوات افغانستان با عیال و اطفال هجرت کرده تقریباً پنج سال در مکه معظمه و برنج در مدینه منوره و قلیله در طائف گذرانیدند

بعد از آن بامر حضرت سرور کائنات مغفور موجودات علیه و علی آله الصلوٰۃ الطیبات المبارکات
از آنجا رجوع فرمودند و بلا رسیده بجهت استدعای مخلصین رخت اقامت انداختند
و عالم عالم اہل سنده از بجز فیوضاتش سیراب و فیضیاب گردیدند و جو و شتر نفیش مجموعہ
اخلاق محمدی بود چیز نائیکہ از سلف صالح در کتب دیدہ مے شود و در وجود مبارکش بہ
رأسی العین دیدہ مے شود و آخر عمر شریف از خلق روگردان شدہ اکقدر توغل در
عبادت کردند کہ از دیدنش حیرت مے افزود و آن حکم کُلِّ نَفْسٍ ذَا رِقَّةٍ لِلْمَوْتِ
در ششم ہزار و سصد و پانزدہ تاریخ دوم ذی قعدہ روز جمعہ وقت اشراق بعمر
ہشتاد و یک سال انتقال فرمودند اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ در دمانہ کوہ گنجہ جنوبی
شہر حیدرآباد بسافت ہفت کردہ مدفون گشتند مسجد و احاطہ بزرگ سنگی و خانقہ
علامتش بنا کردہ اند قصہ وفات و علامات بینات کہ در آن روز ظاہر شد و مراثن
و تواریخ ارتحال جلد در انیس المریین بتفصیل مسطور است از آنجملہ چند بیتے کہ اخوند
لطف علی الملّا کردہ در تخریر مے آید :-

کہ شد ناگہان ز تھال انفصال
بمعنی و صورت عدیم المثال
شد از فضل قیوم صاحب کمال
ز بے قایم جہل و کفر و ضلال
سر جہا اقطاب تاج الرجال
چو از خواجا حرار و میر کلال
چہ شرق و چہ غرب و جنوب و شمال

ہزار آہ ازین رنج و درد و ملال
شدہ عبد رحمان مولا مے ما
ز نسل مجدد شدہ ملک دین و
ز بے جامع علم و رشد و ہدایے
ز بے غوث دوران و قیوم دین
طریقت چنان یافت ز قوتانگی
ز فیضش جہات جہان بہرہ مند

فیضانِ حبیبی
عقودہ

ایشان خدمت عیال و فقر و شرف امامت نماز و آخر عمر شریفش بر این ناقابل منت
نہاودہ بودند بہ ارشاد است عالیات مراتب سلوک چہ عنایتہا کہ بحال کمترین غلامان
خود میفرمودند اما چہ حاصل حسرت ہم بر کم قسمتی خود است کہ با وجود چندین التفات اے
گرامیایہ بچنین ناقابل صے حاصل ماند۔ آری

تہیدستان قسمت راجہ سو و از بربر کابل
کہ خضر از آب حیوان تشنہ می آرد و کند را

ازین مہر گذشتہ کہ ذکر الوحشۃ و حشۃ مینویسد کہ وقت تحریر این کتاب
کہ عمر بے حاصل بہ بنفست و دور سیدہ و سنہ ہجری ہزار و سہ صد و چہل است
این دور از کار اسہ فرزند موجود اند عبداللہ عبدالستار محمد ہاشم باجماع اللہ تعالیٰ صلوات
تولد عبداللہ در سنہ ہزار و سہ صد و پنج واقع شدہ در سن ہفدہ سالگی از علوم مروجہ
محقول و منقول فارغ التحصیل شدہ اند استقداد نیک در عربیت ہم رسانیدہ
وفقہ اللہ لما یحب و برضی این فرزند عزیز را یک پسر است بعمر پنج سالگی غلام علی
او صلا اللہ علیہ غایۃ نامتناہ - فرزند دوم عبدالستار تولدش ہزار و سہ صد و یازدہ
از علوم متداولہ بقدر قسمت خود بہرہ مند شدہ اند این فرزند اوقت تحریر و دست
غلام فاروق بعمر ہفت سالگی غلام عثمان بعمر شش سالگی سلمہم ربہم - محمد ہاشم
تولدش ہزار و سہ صد و ست سہ بعمر دوازده سالگی از حفظ کلام مجید و مبادی علوم
فارغ شدہ از حسن اتفاق سنہ حفظ او از لفظ حافظ ہاشم بر آردہ دین وقت
در مدارس اسلامیہ بطلب علم مشغول و فقہ ربہ - فرزند دوم حضرت قبلہ قدس سرہ
برادر عینی فقیر حضرت محمد حسین میباشد تولدش در سنہ ہزار و دو صد و شصت و دو

فرزند او مسیحی
بہ حضرت محمد
صلوات اللہ علیہ
مجاہدہ خانقاہ
مجاہدہ دہ شدہ
سا تہ زاد منہج
حیدر آباد سندھ
بقلم
فقیر عبدالحق
فرزند فقیر قبلہ اعلا
حیدر آباد سندھ
فا (دوقی) لاہور
۱۱. 9. 2000

فرزند
غلام فاروق
مجاہدہ خانقاہ
مجاہدہ دہ شدہ
سا تہ زاد منہج
حیدر آباد سندھ
بقلم
فقیر عبدالحق
فرزند فقیر قبلہ اعلا
حیدر آباد سندھ
فا (دوقی) لاہور
۱۱. 9. 2000

است تحصیل علوم و تہجہ بعضی از حضرت والد بعضی از فضلاء وقت بانہار سانیدہ
 بکمال فضائل موصوف اند طبع شعری و نہایت عذوبت دارند عزیزش وقت
 تحریر بہ پنجاہ و دو رسیدہ سلمہ ربہ ایشان را در این وقت و دو فرزند میان محمد اسماعیل
 زین العابدین میان محمد اسماعیل با نواع فضائل محلی از علوم متداولہ استفادہ خوب
 حاصل نمودہ اند ایشان را دو فرزند کہ نواسہ ماے مؤلف کتاب اند میان محمد اسحاق
 بعمر ہفت سالگی محمد ابراہیم بعمر چہار سالہ سلمہا رہا زین العابدین صغیر السن اند
 سلمہ ربہ فرزند دوم حضرت جد شریف حضرت غلام عبید اللہ بودند مشہور بحضرت
 غلام جان تولد او شان در ۱۲۳۵ھ از برادر کلان خود کہ قبلہ و کعبہ مؤلف دو سال
 خور و تراند از علوم منقول و وظائف و اوراد بہرہ نیک داشتند در سلوک باطن
 کامل و مکمل بودند سہ بار بشرف باریابی حرمین الشریفین مشرف شدہ اند دفعہ سوم
 تاریخ ہنرمندی قعدہ ۱۲۹۱ھ ہم در مکہ معظمہ رحلت نمودند و در شبیکہ مدفون شدند
 بر لوح مزارش این ابیات مؤلفہ حضرت محمد عمر صاحب مجددی والد حضرت ابوالخیر
 دہلوی نوشتہ اند :-

کرد حضرت غلام جان وفات	نقشبندی مجددی آگاہ
شب شنبہ ہنرمندی قعدہ	یافت جادر حرم بیت اللہ

بد جا گفت سال فوت عمر
 برد اللہ قبر لا و شراہ

حضرت ایشان سہ فرزند خلف گذاشتند میان غلام و سنگیر میان محمد صالح
 میان محمد مقیم میان غلام و سنگیر تولدش ۱۲۵۳ھ سنین عمر عزیزش پنجاہ و سیال

در سنه ۱۳۳۴ هزار و سه صد و سی و هفت بست و پنجم ربیع الاول انتقال فرمودند.
 پنج فرزند خلف گذاشتند میان محمد ابراهیم میان عبدالحکیم میان محمد معصوم میان
 غلام محی الدین میان عزیز الله این هر دو صاحبزاده اخیر الذکر نواسه های فقیرند
 و خور و سال اند سلیمهار بهجا - میان محمد ابراهیم و میان عبدالحکیم و میان محمد معصوم
 هر سه برادر بهیم عینی اند تا وقت تحریر اولاد ذکر ندارند و هر سه طالب علمان و صلاح
 اند سلیم هر بهیم میان محمد صالح فرزند ثانی عم فقیر عمرش وقت تحریر تقریباً پنجاه چار
 سال در شهر قندهار سکونت دارند ایشانرا سه فرزند - میان محمد عارف میان
 محمد قاسم سوم صغیر السن از نامش آگهی نیست میان محمد عارف بعمر بست و دو سالگی
 یک فرزند دارد موسی عبدالقادر سلسله ربیع میان محمد قاسم تا ما هنوز اولاد نداشته
 میان محمد متقیم فرزند سوم عم شریف تولدش سنه ۱۲۹۱ جو آنه صالح و عابد بود در عین
 جوانی سنه ۱۳۳۱ هزار و سه صد و سی و یک در شهر قندهار رحلت نمودند سنین
 عمر عزیزش تقریباً چهل سال دو فرزند خلف گذاشتند میان محمد سلیم میان محمد نعیم
 میان محمد سلیم بعمر چهارده سالگی طالب علم با استعداد نیک است میان محمد نعیم
 که بعمر نه سالگی اند تخلیقاً انکیم آفریده شده است فهم و فراست زیاده از اصحاب و در این
 هر دو صاحبزاده نیز نواسه های مؤلف اند سلیم هر بهیم - حضرت میان غلام احمد
 فرزند پنجم حضرت محمد فضل الله قدس سره اند ایشان معروف به حضرت بابا صاحب
 در قصبه لپو گرد علاقه غزنین ضلع کابل سکونت داشتند در سنه ۱۲۹۳ بقندهار با جماعه
 خلفا و مریدین تشریف آورده بودند معمر بودند مؤلف کتاب بشرف قدسوسی شایان
 رسیده بود در یا حنات شافیه میکشیدند شامل شرفیشت پر پیست و وقار و استقامت

و صلابت دین و رنا صیہ مبارکش نظام دوسہ ماہ در قندمار تشریف بجای حضرت قبلہ ما
داشتند عادت شریفش اکثر انقطاع و عدم قبول فتوحات خلق و کمال توکل بر اوتفاق
جلستانہ بود در سنہ ۱۰۸۰ ہزار و سہ صد و دہم در ابوگر و مذکور رحلت فرمود چہار فرزند خلف
گذاشتند میان فدائے محمد میان غلام محمد عرف حضرت محمد جان میان عباد اللہ
میان امان اللہ حضرت میان فدائے محمد صاحب فضائل و کمالات بودند بعد از حیات
والد مکرم خود در سنہ ۱۱۳۱ انتقال نمودند دو فرزند خلف گذاشتند حضرت عبدالغفور حضرت
فضل حلیم این ہر دو حضرات ہمیشہ زاد ہای حضرت قبلہ و کعبہ مؤلف بودند تولد حضرت
عبدالغفور غرہ رجب سنہ ۱۲۰۳ بکمال حسنت موصوف بودند بعمر سی و چہار سالگی سنہ ۱۲۸۱
انتقال فرمودند و فرزند خلف گذاشتند میان عبدالشکور میان عبدالرب میان عبدالغزیز
ازین سہ حضرات میان عبدالرب رحلت نمودہ یک فرزند گذاشتہ سیدی عبدالرسول
صغیر السن اند سلمہم بہم حضرت میان فضل حلیم در سنہ ۱۲۰۶ تولد شدند صاحب فضیلت
و نسبت بودند در سنہ ۱۲۸۱ بعمر شصت و دو سال رحلت نمودند و فرزند خلف گذاشتند
میان فضل الرحمان میان عبدالحق میان فضل اللہ جان میان فضل الرحمان در سنہ ۱۳۰۱
متولد شدند یک پسر دار و سیدی عبدالرؤف میان عبدالحق بعمر بہت سالہ و میان فضل اللہ
بعمر ۵ سالہ منور متاہل شدہ اند و فرزند ثانی حضرت میان غلام احمد میان غلام محمد عرف
محمد جان اند و عمرش تقریباً شصت و چہار سال یک فرزند داشتند میان فضل الرسول
لا ولد انتقال نمودند حضرت میان عباد اللہ فرزند سوم حضرت غلام احمد اند و وفق بعبادت
بود بعمر پنجہا و سہ سالگی انتقال نمودند و لا عقب لہ حضرت میان امان اللہ فرزند چہارم حضرت
بابا صاحب بہر چہل و سہ سالگی انتقال فرمودند و فرزند داشتند غلام جلیانی و ابوالہیثم و محمد کریم غلام جلیانی

داشتند

حیات است بمرورہ سالگی ہر دو اخیر در صغر سن رحلت نمودند این بود احوال اولاد حضرت
 محمد فضل اللہ رحمہ اللہ اسلاف ہم و بارک فی اعلا فہم۔ حضرت شاہ ضیاء الحق مشہور بکثرت
 شہید قدس سرہ برادر عینی و فرزند دوم حضرت بی بی صاحبہ کلان و جہادری حضرت
 قبلہ و کعبہ بابوند اوصاف حمیدہ اش از علم و عمل و فیض و ارشاد و کرامات و خوارق عادت
 مشہور عالم است دین عجائکہ گنجایش بیان آن نیست مزید بر آن دلائل و شریعتیں
 از دست بعض اشقیاء کوہستانی شریعت شہادت چشیدند این کار دولت است
 کنون تا کرار شد حضرت ایشان کثیر الاولاد بودند اولاد و کورنش بعد از انتقال شان
 شش فرزند خلف شدند حضرت عبدالکریم عرف میان بادشاہ حضرت عبدالرحیم عرف
 حضرت آقا صاحب حضرت میان ضیاء محمد و عرف حضرت میان جی صاحب حضرت
 میان عبدالحکیم حضرت میان ضیاء معصوم عرف میان تبرک صاحب حضرت فضل حق
 عرف حضرت میان جان صاحب حضرت میان عبدالکریم عرف میان بادشاہ صاحب
 کمال و اکمال بودند در عین جوانی بعد از مراجعت سفر حرمین الشریفین در حدود ۱۲۶۹
 ہزار و دویست و شصت و نہ در دریا سے شور بسبب کشتی شریعت شہادت چشیدند
 حضرت ایشان را دو فرزند رشید خلف شدند حضرت میان عبدالعزیز حضرت میان ابوالقاسم
 عرف حضرت حاجی جان حضرت میان عبدالعزیز بکمال فضائل موصوف بودند لطافت
 طبع شریفش بحد کمال بود در جو و ایتار و تواضع و فراست حظا وافی داشتند اوقات
 عزیز خود در شہر کراچی میگذرانیدند طبع شعری خوب داشتند مؤلف بارہا بخدمتش رسیدہ
 در حق فقیر انواع الطاف مری میداشتند در حدود ۱۳۳۰ انتقال فرمودند ایشان را
 فرزند بودند میان عبدالقادر حضرت میان ضیاء احمد حضرت میان فضل حق میان عبدالقادر

در حیات قبله گاه خود در عنقوان شباب لا ولد انتقال فرمودند حضرت میان ضیا احمد صاحب که در این جزو زمان وجودش رفیش در خاندان مجددیه اربس معتم است بکمال معارف آراسته و بعلوم مبت و تواضع و صلح و رحم و خدمت بجا آوردن اضعاف و فقر و بنفس نفیس خود پیراسته ایشانرا سه فرزندارجمند است میان غلام الله میان حجت الله میان عبد اللطیف میان غلام الله جوان صاحب علم و معرفت است دو فرزند دارند غلام مصطفی عبد الکریم و دو صغیر السن اند سلیم ربهم میان حجت الله فرزند دوم حضرت میان ضیا احمد صاحب نیز مختص با صلح و فلاح اند و پسر دارو غلام مرتضی عبد الفتاح سلیم ربهم میان عبد اللطیف فرزند سوم حضرت میان ضیا احمد است بعد از او زوجه سالگی مشغول طلب علم است سلمه ربّه حضرت میان فضل حق فرزند سوم حضرت میان عبد العزیز بودند بعد از بیست و پنج سالگی در عین جوانی بجارضة طاعون در حدود سنه ۱۳۰۰ در شهر جام نگر کاتیا وار در غربت وفات یافتند مرقدش آنجا مخلصان بتکلف ترتیب داده اند رحمه ربّه یک فرزند داشتند فضل مادی نام که بطرح آزادی و قلندری در کراچی میگذاشتند آخبر براق عرب رفتند از چند سال مفقود است حضرت میان ابوالقاسم عرف حضرت حاجی جان فرزند ثانی حضرت میان بادشاه بود او شان او اهل عمر و قد بار بعد از ان در لس بلیه آخورد کراچی رخت اقامت انداخته هم آنجا در حدود سنه ۱۳۱۰ هزار و سه صد و چهارده انتقال نمودند چهار فرزند داشتند محمد صادق محمد سعید محمد فاروق محمد اکرم حضرت محمد صادق صاحب معرفت بودند در کراچی رحلت نمودند یک فرزند خلف گذاشتند میان فضل قیوم که بعمریت سالگی بجارضة طاعون در کراچی رحلت نمودند لا عقب له حضرت محمد سعید در حیات والد بزرگوار خود در عین جوانی در شهر بمبئی سر از توابع عمر کوٹ سنه ۱۳۱۰ انتقال نمودند

یک فرزند خلف گذاشتند میان فضل الله که بعمر بست و دو سالگی رحلت نمودند یک
 فرزند صغیر السن گذاشتند غلام حیدر سلمه ربی حضرت محمد فاروق فرزند سوم حضرت میان
 ابوالقاسم است سکونت در کرمانجی دارند شخصی صاحب فضائل است عمرش وقت تحریر
 کتاب تقریباً شصت و چهار سال سلمه ربی دو فرزند دارند میان محصوم جان بعمر
 بست سالگی میان حمزه بعمر ده ساله سلمه ربی میان محمد اکرم فرزند چهارم حضرت حاجی
 جان در عین شباب هم در حیات والد خود انتقال نمودند لا عقب له حضرت عبدالرحیم
 عرف حضرت آقا صاحب فرزند دوم حضرت شهید بودند در وقت خود مرجع انام و وکیلا و معتر
 خاندان بودند نفیض در ملک سنده عالمگیر بود اوایل عمر شریفش در کابل و قندهار بسر برد
 و از عمر سکونت قضیه شاری از ملک سنده اختیار فرمودند مؤلف کتاب بارها بخدمت
 شریفش رسیده بود و آخر بتاریخ ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۰۸۰ هزار و سه صد و سی و نه در شهر
 شاری بعمر نود سال تقریباً رحلت فرمودند زار پراوازش هم آنجا اتفاق افتاد و فرزندان
 و مخلصان بر مرقده مبارکش قبه عالیہ پر تکلف بنا کرده اند یزاد و یتبرک حضرت مدوح
 بهشت پسر خلف شدند حضرت میان عبدالحلیم عرف حاجی آقا حضرت میان ذوالکفای مجد
 میان محمد عظیم میان محمد علی میان احمد علی عرف منو جان میان شیر علی میان غلام علی
 میان فتح علی دو حضرات اول الذکر بهم عینی برادر و پنج اخیر الذکر بهم عینی بودند حضرت
 میان عبدالحلیم صاحب عرف حاجی آقا فرزند نخستین و سجاده نشین و مسند آراء حضرت
 والد بزرگوار خود بودند در سن خلق و کمال کرم یگانہ وقت خویش بودند بتاریخ ۱۰۸۳
 هزار و سه صد و سی و یک بعمر ۶۴ سال روز جمعه رحلت فرمودند و در قبه والد ماجد خود بجنب
 شان سمیت قبله آسودند رحمه ربی ایشانرا شش فرزند حضرت میان غلام مجد عرف

پیرزاده میان غلام نبی عرف فقیرزاده میان غلام حسین میان محمد عمر میان شارا محمد میان عبدالباقی
حضرت میان غلام محمد و فرزند نخستین و سجاد و نشین و الدبزرگوار خود است از تحصیل علوم
مروجه فارغ شده اند و رفوت و بهمت شان عالی دارند سلمه ربّه و البقاه ایشان را یک
فرزند پنجساله میان غلام رسول سلمه ربّه میان غلام نبی در عین شباب بعمر ۶ سالگی
بجاضه طاعون انتقال نمودند لاعقب له میان غلام حسین سلمه ربّه ایشان در ۳۳
بهر کابی والد ماجد خود بزیارت خرمین الشریفین مشرف شده اند میان محمد عمر از علوم متد
فارغ التحصیل شده اند ایشان نیز بخدمت والد الشریف خود و در سفر حرمین الشریفین حاضر
بودند میان شارا محمد عمرش تقریباً ۲۱ سال یک فرزند دارند سیدی غلامی میان عبدالباقی
فرزند اصغر حضرت حاجی آقا اند جمله جوانان با استعداد و نسبت اند سلمه ربهم حضرت
سیان فدائے مجدد و فرزند دوم حضرت آقا صاحب مرحوم بودند او اهل عمر شریفش در ملک
سند به کمال ابهت بسر بردند در ۳۲ با متعلقات خود بیعت کرده در قندهار رخا
قریه و هجوچه سکونت پذیر شدند حاکم وقت با اعزاز و اکرام با ایشان سلوک مینمود و هجر
در ۳۳ پنجم ماه مبارک رمضان بم در قندهار انتقال فرمودند و در جوار جدامجد خود حضرت میر
غلام نبی قدس سرّه سمت قبله مدفون شدند رحمّه به او شان راسه فرزند خلف ماندند
حضرت میان غلام اسماعیل میان غلام رفیع الدین میان محمد یوسف حضرت میان محمد اسماعیل
مجموعه مکارم و شخصه با استعداد علمی است ایشان را یک پسر میان غلام ضیا الحق سلمه ربّه
میان رفیع الدین فرزند دوم حضرت میان فدائے مجدد در قندهار با متعلقات خود میگذرانند
و همچنین فرزند ثالث ایشان محمد یوسف بابر و خود بعمر ۱۵ سال تقریباً میگذرانند سلمه ربهم
حضرت میان محمد عظیم فرزند سوم حضرت آقا صاحب مرحوم عمرش تقریباً ۶ سال بشیوه

آزادی و بخود در نواح سند و بسیر میسرند سلسله بنده حضرت محمد علی فرزند چهارم حضرت آقا صاحب
 بکمالات متصف اند در طلب مزاولت نیک دارند اوقات عزیز خود را ملک ناره از اخلاء
 سند و بر زمین داری خود بسیر می برند ایشانرا سه پسر میان محمد مولی میان محمد انویر
 میان محمد یعقوب بهمیم میان احمد علی عرف سنجان فرزند پنجم حضرت آقا صاحب
 بودند بعمر ۴ سالگی در شهر کراچی بجار حقه طاعون رحلت نمودند اولاد و ذکور عقب نگذاشتند
 رحله بنده میان شیر علی جان فرزند ششم حضرت آقا صاحب مرحوم اند بعمر ۴ سالگی
 تقریباً با برادر کلان خود میگذرانند سکنو شش اکثر در قریه مٹاری است میان قلام علی
 فرزند هفتم حضرت آقا صاحب در عین جوانی در کراچی بمرض دق رحلت نمودند لا عقب له
 میان فتح علی جان فرزند هشتم حضرت آقا صاحب اند عمرش وقت تحریر تقریباً ۲۰ سال
 حضرت ضیا محمد دعوف حضرت میاخی صاحب ایشان فرزند سوم حضرت شهید اند عمر
 مبارک خود را در نواح کابل خصوص در قریه لغمان از مصافات چار کابل سر برنده صاحب
 فیض و ارشاد بودند در سال ۱۳۰۰ هجری در سن ۳۰ سالگی انتقال فرمودند مرقدش در قریه لغمان است
 ایشانرا چهار پسر خلف شدند حضرت میان عطاء احمد دعوف عطا جان حضرت میان
 عبد الحمید عرف گل جان حضرت میان عبد الفتاح حضرت میان عبد العزیز حضرت میان
 عطا جان در ملازمی حکام کابل در نواح بدخشان و غیره بکار حکومت مشغول عمرش تقریباً
 ۴۰ سال ایشانرا چهار فرزند میان گدای احمد نیز به تبع والد مکرم خود در ملازمی حکام
 وقت مشغول یک فرزند دارند سی میان سجدی میان محمد ششم میان محمد اسماعیل
 و میان فقیر محمد هر سه برادر در وطن خویش عمر عزیز خود میگذرانیدند شخصی باتهور و تحمل بود
 تقریباً چهار سال قبل از تحریر این حکم حاکم کابل در قضیه شربت شهادت چشیدند ایشان وقت

خلف گذاشتند میان غلام نصیر الدین میان بدر الدین میان غلام نبی میان عبدالرشید
 میان فخر الدین میان غلام محی الدین میان عبدالرزاق سلیم ربهم حضرت میان عبدالفتاح
 پسر سوم حضرت میانجی صاحب اندامش تقریباً ۵۵ سال ایشانرا چهار پسر میان عبدالرحمن
 میان جلال الدین میان عبدالرشید میان غلام ابراهیم سلیم ربهم حضرت میان عبدالغنی
 پسر چهارم حضرت میانجی صاحب است ایشانرا دو فرزند میان عبدالستار میان غلام نبی
 و حضرت میان عبدالغنی مذکور سکونت در دزدان کابل دارند بنام نیکی میگذرانند و عمرش
 تقریباً سی و دو سال حضرت میان ضیا، معصوم عرف حضرت میان تبرک صاحب
 فرزند چهارم حضرت شهید اند عمرش شریف خود را اولاد و نجواب کابل میگذرانند و او را
 در لغمان سکونت کردند انتقال ایشان نیز و آنجا بوقوع آمد مقدم مبارکش هم آنجا ایشانرا
 پنج پسر خلف شدند حضرت میان غلام حضرت حضرت میان عبدالوهاب حضرت میان
 عبدالحی حضرت میان عبدالقادر حضرت میان فضل محمود جناب میان غلام حضرت
 فرزند نخستین ایشان بودند بعمر پنجاه و سه سالگی در حدود سنه ۱۲۳۰ رحلت نمودند و مرقدش هم
 در لغمان است ایشانرا چهار فرزند خلف شدند حضرت حاجی عبدالصمد حضرت میان
 عبدالاحد حضرت میان عبدالغفار حضرت میان غلام بہاء الدین حضرت حاجی عبدالصمد
 با انواع کمالات آراستہ از نسبت طریقت بہرہ نیک بہم پیوستہ و وجود شریفش
 مختتم وقت عمرش تقریباً ۷۵ سال اکثر در وطن خود میگذرانند بعض اوقات بسفر
 سندہ تشریف می آرند ایشانرا پنج پسر میان غلام نجم الدین میان حفیظ اللہ
 میان شمس الدین میان غوث الدین میان محمد مسعود سلیم ربهم حضرت میان عبداللہ
 برادر دوم حاجی عبدالصمد عمرش تقریباً ۵۰ سال یک فرزند دارند بعمر ۳۰ سالگی اسمی عبدالمکرم

سندہ

حضرت میان عبدالغفار برادر دوم حضرت عبدالصمد نیز سکونت در غمانه دارند و عمرش تقریباً ۴۲ سال یک فرزند دارند ۹ ساله سیدی محمد قاسم سلمه به حضرت میان بهار الدین برادر چهارم حاجی عبدالصمد عمرش تقریباً ۲۲ سال از اولادش آگهی نشد حضرت میان عبدالواحد فرزند ثانی حضرت میان تبرک صاحب بودند ایشان را یک فرزند میان محمد یوسف میان محمد یوسف رانیز یک پسر میان محمد یعقوب سلمه به هم حضرت میان عبدالحمی فرزند ثالث حضرت میان تبرک صاحب بودند ایشان را یک فرزند میان عبدالواحد حضرت عبدالواحد را دو پسر میان حضرت جان میان غلام محمد سلمه به هم حضرت عبدالغادر فرزند رابع حضرت میان تبرک بودند ایشان را یک پسر است میان عبداللہ جان حضرت عبداللہ جان رانیز یک پسر میان فضل کریم سلمه به هم حضرت میان فضل محمود فرزند خامس حضرت میان تبرک بودند ایشان را سه پسر میان فضل رحمان میان فضل احمد میان فضل رحیم سلمه به هم حضرت میان عبدالحکیم فرزند پنجم حضرت شہید قدس سرہ بودند مؤلف کتاب در ایام صغریں بشرق قدوسی ایشان رسیده بود حلیہ مبارکہ برابر یادداشت ایشان و برادر کلانش حضرت میان بادشاہ صاحب سابق الذکر بہر دو بہم یعنی برادر و احوال حضرت والد فقیر بودند سکونت ایشان در محال و ہر ائت از مصافات قندارے بود انتقالش ہم در آنجا بوقوع آمد حضرت ایشان را ہشت پسر خلف شدند میان عبدالرؤف میان عبدالغادر میان عبدالحبیب میان عبدالملک میان غلام محمد میان محمد حسن میان محمد شین میان عبداللہ عرف پہلوان حضرت حاجی عبدالرؤف در نول حج کچہج سندہ اوقات خود بسر میبردند استعمال علم طب بوجہ نیک میفرمودند بعمہر نہتاد سالہ ہم در آنجا حلت نمودند یک پسر خلف گذاشتند حضرت عبدالغادر پسر دوم حضرت عبدالحکیم

در کراچی سنده سکونت داشتند در حدود سی و سه رحلت نمودند و دو فرزند خلف
 گذاشتند میان غلام محمد میان عبدالرزاق حضرت میان غلام محمد شخصه با فضیلت
 و صلاح و طالب علم نیک استعداد است سلمه ربّه میان عبدالرزاق هم در کراچی بابران
 طمان خود بیباک شدند حضرت عبدالجیب پسر سوم حضرت عبدالحکیم در نجواب کابل عمر و نیز
 ربابا خررسانیدند از اوشان دو پسر خلف شدند میان عبدالنظار میان عبدالظاهر
 میان عبدالنظار هر یک یک فرزند میان غلام جیلانی میان عبدالظاهر عرف غلام حسن بهرام
 برادر خود در نجواب سکونت دارند از احوال اولادش آگهی نشد حضرت میان عبدالملک
 پسر چهارم حضرت عبدالحکیم بودند از نجوبه روزگار بودند در علوم غریبه چون نجوم و رمل درک نیک
 داشتند طب را به هارت خوب استعمال میکردند طبع موزون با تواضع کامل داشتند
 در قضیه طاعون اول بهم در کراچی بعمر ۳۰ سالگی انتقال فرمودند رحمه ربّه ایشان را یک پسر
 میان نورالحق که در عین جوانی بعمر ۳۰ سالگی در طاعون دوم یا سوم هم در کراچی رحلت
 نمودند لا عقب له حضرت میان غلام محمد پسر پنجم حضرت عبدالحکیم بودند در وهرات
 قندهار بجای والد بزرگوار خود میبودند و پسر خلف گذاشتند میان محمد امیر جان و میان
 محمد عظیم جان میان محمد امیر جان سلمه ربّه در این وقت در کراچی سنده تقریباً بعمر ۳۰ سالگی
 به نام نیکی میگذاشتند میان محمد عظیم جان بعمر ۳۰ سالگی در مزاری سنده رحلت نمودند
 میان محمد حسن پسر ششم حضرت عبدالحکیم بودند در عین شباب بمعبر برادرش میان
 محمد حسین پسر هفتم حضرت عبدالحکیم رحلت نمودند لا عقب لها میان عبدالسید پسر هشتم
 حضرت عبدالحکیم در وهرات بجای والد بزرگوار خود بودند از احوال اعتقالات اطلاع نشد
 حضرت میان فضل معصوم فرزند ششم حضرت شهید قدس سره بودند عرف ایشان حضرت

میان جان صاحب بود اکثر اوقات عمر عزیز خود را در کراچی سنده با خرسانیده بودند
 مؤلف بشتون ملاقاتش در حدود ۱۲۹۵ رسید بود او صنایع پسندیده داشتند آخر
 در شهر پالن پور گجرات در حدود ۱۲۹۵ انتقال فرمودند و اب پالن پور که مخلص
 ایشان بود هزار مبارکش بطرح نیک تعمیر نموده ایشان اولاد ذکر خلف نگذاشتند
 رحمه رب با تمام رسید احوال اولاد حضرت شهید قدس سره - حضرت شاه
 شمس الدین فرزند سوم حضرت شاه غلام نبی بودند متصف باوصاف کمال بودند
 سکونت در محال لاهور و از توابع کابل داشتند انتقال بهم آنجا کردند ایشان یک فرزند خلف
 گذاشتند حضرت میان غیاث الدین ایشان جائے نشین حضرت والد ماجد خود بودند و هم
 در لاهور و عمر عزیز خود با خرسانیدند و بعد از حال چهار پسر خلف گذاشتند حضرت میان
 غلام رسول حضرت میان عبدالسلام حضرت میان عبدالستار عرف بابو جان حضرت
 میان فضل حق - حضرت میان غلام رسول فرزند نخستین ایشان عمر شریفش بیست
 سال رسیده بود که سلوک طریقت بلکه خرقه خلافت از خال خود حضرت ضیا معصوم
 ساکن چهار باغ جلال آباد حاصل کردند باقی ایام عمر شریف خود در سلوک طریقت گزاینده
 در عمر فقدا و سالگی داعی اجل را بیک گفتند از ایشان یک پسر خلف ماند میان فضل احمد
 ایشان پیر قایم مقام والد شریف خود بودند در ۱۳۳۵ رخت اقامت ازین داریا پاندار
 بر بستند ایشان نیز یک پسر خلف گذاشتند سمنی شیر احمد جان که وقت تحریر
 سوده کتاب بمر پانزده سالگی حیات بودند سلمه ربه - حضرت میان عبدالکریم فرزند
 دوم حضرت غیاث الدین لا ولد انتقال کردند حضرت میان عبدالستار عرف بابو جان
 فرزند سوم حضرت غیاث الدین بودند اوقات عمر عزیز خود را در رنج به تعهد علمی از بادشا

اسلام و برکت بہ بندگی بادشاہ حقیقی باختر ساینند تقریباً در ۳۳۳۳ بصر شصت و یک سالگی رحلت فرمودند پنج پسر خلف گذاشتند میان غلام سرور میان غلام صفدر و صوفی آقا میان غلام معصوم میان غلام عثمان میان غلام اکبر اولاد میان غلام سرور و غلام صفدر معلوم شد میان غلام معصوم را یک پسر غلام انور میان غلام عثمان لا ولد رحلت کردند۔ میان غلام اکبر را نیز یک پسر کرنا مش آگهی نشد حضرت میان فضل حق فرزند چہارم حضرت میان عیث الدین انداکثر عمر عزیز خود در غربت سوگزستان و ہرات گذرانیدہ اند سہ فرزند دارند میان غلام کجلی میان غلام زکریا میان عبدالرشید سلیم بہیم بہیم حضرت میان دلی محمد فرزند چہارم حضرت شاہ غلام نبی قدس سرہ بودند ایشان عمر عزیز خود در محال و ہرات از توابع شہر قندہار باختر ساینند ایشان از قریکہ بہرہ کتاب معلوم شد یک پسر خلف گذاشتند حضرت میان نور الدین ایشان چہار پسر خلف گذاشتند میان بہار الدین عرف بنان آقا باقی فرزندان ایشان را نامہا معلوم نشد حضرت میان محمد افضل فرزند پنجم حضرت شاہ غلام نبی قدس سرہ بودند ایشان یک فرزند خلف گذاشتند میان سلطان محمد۔ میان سلطان محمد در جوانی بس ۲۵ سالگی لا ولد رحلت فرمودند رحمہ اللہ اسلام فہم و بورک فی اخلا فہم با تمام رسید احوال اولاد حضرت غلام نبی قدس سرہ۔ حضرت میان مسجدی فرزند سوم حضرت شاہ غلام حسن قدس سرہ بودند حضرت جد امجد صاحب عمدۃ المقامات میفرمایند کہ ایشان در این وقت اکبر اعمام فقیر است در حدود و باختر بارشا و مشغول است ایشان را پنج پسر بودند شہر معصوم عطا معصوم فداے معصوم صدای معصوم نام پنجم معلوم نشد۔ شہر معصوم کہ فرزند اول حضرت میان مسجدی بودند ایشان را سہ پسر نامہاے ایشان معلوم نشد عطاے معصوم را نیز سہ پسر

از نامهای این امیر و از احوال اولاد باقی سه برادران اخیر به سبب بعد وطن تا وقت
تحریر هیچ آگهی نشده بر کربان اطلاع باشد ملحق سازد و جناب الشرفی حضرت میان الواسع
فرزند چهارم حضرت شاه غلام حسن قدس سره بودند از ایشان چهار فرزند خلف شدند حضرت
میان فاروق حضرت میان غلام حبی حضرت میان گل صاحب حضرت میان محمد نور
میان فاروق صاحب که فرزند نخستین حضرت ابوالحسن بودند ایشانرا هفت پسر خلف
شدند میان سلطان میان فضل معصوم میان رضا معصوم میان لاهور جان میان غلام
میان فضل اکرم میان فضل عمر میان سلطان که فرزند نخستین حضرت میان فاروق بودند
ایشانرا پنج پسر غلام رحمان فضل رحمان غلام کبر غلام نبی سید اکبر حضرت میان
غلام رحمان در وقت تحریر مسوده این کتاب بعمره، سالگی در ملک کج خوکیا بی جلال
حیات بودند ایشانرا یک فرزند مسمی سید مختار سلمه ربّه حضرت فضل رحمان رحلت نموده
یک فرزند خلف گذاشته اند مسمی سید رحمان سلمه ربّه حضرت غلام کبر نیز در کج مذکوره
سکونت دارند ایشانرا دو پسر محمد و سید غفار سلمه بهم بهم حضرت غلام نبی انتقال فرموده یک
فرزند خلف گذاشته که از نامش آگهی نشد حضرت سید اکبر نیز انتقال نموده اند
از اولادش آگهی نشد میان فضل معصوم که فرزند دوم میان فاروق صاحب بودند
او شانرا نیز پنج پسر خلف شدند سید غلام جان میر جان غلام قیوم غلام سر سندی -
سید حبیب سید غلام جان وفات کرده است و فرزند گذاشته میان سجدی میان غلام
در بڑ و سر شاهی از مضافات جلال آباد سکونت دارند سلیم چهار بهامیر جان سکونت در
ترکستان دارند از اولادش آگهی نشد خودش انتقال نموده اند غلام قیوم بعمره سالگی
نیاستند سکونت در بلخ دارند سلمه ربّه غلام سر سندی انتقال کرده اند احوال عقابش

معلوم شد رسید حبیب نیز رحلت نمودند لاعقب له حضرت رضاء معصوم فرزند
 سوم حضرت میان فاروق بودند ایشانرا نیز پنج پسر بودند ثناء معصوم غلام محصوم
 غلام دستگیر فضل سجانی غلام حضرت ثناء معصوم وفات کرده اند از نامها
 فرزندانش آگهی نشد در مریه از توابع جلال آباد سکونت دارند غلام معصوم وقت
 مسوده کتاب بعمر ۴۰ سالگی حیات بودند سکونت ایشان در سرشاهی جلال آباد یک
 فرزند دارند که از نامش اطلاع نشد غلام دستگیر ایشان نیز رحلت کرده اند یک
 پسر دارند که از نامش آگهی نشد سکونت شان در سرشاهی مذکور فضل سجانی رحلت
 نموده اند از عقابش اطلاع نشد غلام حضرت تقریباً بعمر چهل سال در قید حیات اند سرباز
 حضرت لاهور جان فرزند چهارم حضرت میان فاروق بودند ایشانرا دو فرزند میان
 غلام عثمان میان زید عمر میان غلام عثمان که فرزند کلان حضرت لاهور جان اند ایشانرا
 سه فرزند میان فضل محمد میان فضل و احمد میان فضل قدوس میان فضل محمد سکونت شان
 در اوائل قصبه شب قدر از مصافات پشاور در اوایل کراچی سنده هم در کراچی بعمر ۳۰ سال
 تقریباً انتقال نمودند میان فضل و احمد و میان فضل قدوس برادر و برادرش قدر مذکور
 سکونت دارند سلمهار بهامیان زید عمر فرزند دوم حضرت لاهور جان بودند سکونت شان در
 چلیپار از توابع جلال آباد و دو فرزند داشت گفتار میگویند میان غلام عمر محمد سلمهار بهامیان حضرت
 غلام اکرم فرزند پنجم حضرت میان فاروق بودند بعمر هشتاد سالگی رحلت نمودند ایشانرا
 چهار پسر حضرت میان محمد فرید میان غلام قنبر میان شمس الحق میان غلام حیدر حضرت
 میان محمد فرید شخصی صاحب دیانت و فراست است سکونت در شهر جهرک ضلع کراچی
 سنده دارند عمرش تقریباً ۵۰ سال سه فرزند دارند میان عبدالغفور میان محمد حسن

میان احمد رحیم میان عبد الغفور میان محمود حسن هر دو طالب علمان با استعدادند
 سلمهیم ربهم میان غلام قنبر فرزند دوم حضرت غلام اکرم نیز سکونت در شهر جبرک دارند ایشانرا
 ششم فرزند میان غلام قادر عبد الباقی عبد الرسول غلام رسول غلام فاروق غلام شمس
 سلمهیم ربهم میان شمس الحق فرزند سوم حضرت غلام اکرم بطرح آزادگی میگذرانند میان
 غلام حمید صغیر السن در وطن خود شتبقدر میباشند سلمهیم ربهم حضرت میان فضل اکرم
 فرزند ششم حضرت میان فاروق بودند بعمر سالگی تقریباً در چلیپا رحلت فرمودند
 مؤلف در سنه در پشاور بملاقات ایشان رسیده بود و این احوال خاندان ایشان
 که اولاد حضرت ابوالحسن اند از فرموده ایشان ثبت میشود. ایشان را چهار پسر شاه ناصر
 شاه خسرو و کبیر و فضل ربانی هر چهار پسر در یکجا به همراه والد عزیز خود میباشند از اعتقالات
 آگاهی نشد سلمهیم ربهم حضرت میان فضل عمر فرزند هفتم حضرت میان فاروق بودند ایشانرا
 بطرح آزادگی گاه در فوج انگریز عمر عزیز خود با خرسانیدند لاعقب له حضرت میان
 غلام حبی فرزند دوم حضرت ابوالحسن ابن حضرت شاه غلام حسن اند ایشان پانزده پسر
 خلف گذاشتند سید حسن سید حبی سید معصوم سید قاسم علی اصغر تاج ملک
 شاه ریحان میر بادشاه نوزاد شاه علی اکبر سعادت ملک نامهاست چهار باقی معلوم
 و فیه کفایت و زیاده سید حسن فرزند اول حضرت غلام حبی بعد رحلت یک پسر خلف
 گذاشتند غلام حسن سکونت در سرشاهی جلال آباد دارند سلمهیم ربهم سید حبی فرزند ثانی
 حضرت غلام حبی را دو فرزند خلف شدند سید جلال پیر معصوم سید جلال را دو پسر سرور
 و فرید پیر معصوم را اولاد معلوم نشد سید معصوم فرزند ثالث حضرت غلام حبی را اولاد
 رحلت فرمودند علی اصغر فرزند رابع حضرت غلام حبی را دو پسر خلف شدند دهم جان و جان

ہاشم جان عمرش تقریباً ۶۰ سال از علوم با نبر سکونتش در باندہ سرشاہی از توابع
 جلال آباد سیرش اکثر بیست بلادیر باد آسٹریا جانان سکونت در خانہ آباد ترکستان
 دارند و فرزند محصوم جان غلام بزرگ محصوم جان در قید حیات غلام بزرگ
 رحلت نمودند سید قاسم فرزند رابع حضرت غلام جی راعقب معلوم نشد علی اصغر فرزند
 خامس حضرت غلام جی رانیز عقب معلوم نشد تاج ملوک فرزند سادس حضرت غلام جی
 وقت تحریر مسودہ کتاب بعمر ۴ سال در سرشاہی مذکور بقید حیات اند شاہ ریچان فرزند
 سابع حضرت غلام جی رحلت فرمودہ اند و پسر خلف گذاشتند از نامہائش آگہی نشد
 میر بادشاہ فرزند ثامن حضرت غلام جی است در قید حیات اند عمرش ۱۰ تقریباً
 نور بادشاہ فرزند ناسخ حضرت غلام جی است حیات اند از نامہ و احوال پسرش آگہی نشد
 علی اکبر فرزند عاشر حضرت غلام جی است انتقال کردہ اند ایشانرا یک پسر میان جان
 سکونت میان جان در باندہ مذکورہ سیرش بلک ترکستان سعادت ملوک فرزند حادس
 حضرت میان غلام جی است سکونتش در باندہ سرشاہی حضرت میان گل فرزند
 سوم حضرت میان ابوالحسن اند ایشانرا چہار پسر میان محمد حسین میان فقیر میان
 گداے محصوم میان فدای محصوم میان محمد حسین انتقال فرمودہ اند مرقدش در
 چلیپار است سہ فرزند خلف گذاشتند میان ولبر شاہ سید امام شاہ صاحب
 میان دلبر شاہ انتقال کردہ اند یک پسر سید ابراہیم عمرش ۳۲ سال سکونت در چلیپار
 سید امام حیات اند فرزند زینہ ندارند شاہ صاحب نیز در قید حیات اند از پسرش
 آگہی نشد میان فقیر صاحب فرزند دوم میان گل صاحب وفات کردہ اند و فرزند خلف
 گذاشتند میان مسجدی میان قینوم میان مسجدی وفات کردہ اند و پسر گذاشتہ میان شیر جان

میان نذیر جان سلیمان بهار - میان قیوم رحلت کرده اند لا عقب له میان گدائی معصوم فرزند سوم
 میان گل صاحب وفات کرده اند دو پسر خلف گذاشته اند عبد الله جان عبد الکریم عبد الله جان
 وفات کرده اند ویرا یک پسر میان وزیر جان عمرش تقریباً ۳۰ سال سکونت در چلیار
 عبد الکریم در قید حیات است اولاد ندارد میان فدا معصوم فرزند چهارم میان گل
 صاحب رحلت نموده اند ایشانرا سه فرزند خلف شدند غلام جان صیقل جان غفور جان
 غلام جان حیات اند در چهاردهی ننگار سکونت دارند از اولادش آگهی نشد -
 صیقل جان نیز حیات اند در بی کوٹ از توابع جلال آباد سکونت دارند یک فرزند
 دارند مسمی غفور جان سلیم ربهم حضرت میان محمد انور فرزند چهارم حضرت میان ابوالحسن
 ایشانرا سه فرزند بودند سید یاد شاه حضرت شناه میان جان سید باد شاه وفات کرده
 دو فرزند خلف گذاشته است معشوق جان میان بیر جان معشوق جان سه فرزند
 دارو سید جلیل - نامهای دو برادر سید جلیل معلوم نشد سیر جان فرزند زینہ
 ندارد حضرت شاه فرزند دوم حضرت محمد انور رحلت نموده اند از نامهای اولادش
 آگهی نشد میان جان فرزند سوم حضرت محمد انور لا ولدا انتقال نمودند - با تمام رسید احوال اولاد
 حضرت میان ابوالحسن - حضرت میان عبدالکوثاب فرزند خامس حضرت شاه غلام حسن
 قدس سرهما و عم رابع حضرت جد امجد میباشند هر چند در تذکره ما و نسب نامه ما جستجو
 نشد براس حضرت ایشان کسے اولاد ننوشتند اند اغلب که لا ولدا انتقال فرموده اند
 رحمہ ربہ حضرت میان حاجی صاحب فرزند سادس حضرت شاه غلام حسن اند قدس سرما
 و عم خامس حضرت جد امجد صاحب عمده میباشند حضرت ممدوح سکونت در قریہ سردا و غنڈا
 قندار داشتند بنهایت مراتب کمال و اکمال رسیده بودند وفات هم آنجا یعنی در سردا کردند

حضرت ایشانرا سه فرزند خلف شدند حضرت بهار الدین حضرت غلام رسول عرف میان
 لا صاحب حضرت عبدالکریم عرف میر آقا حضرت بهار الدین فرزند نخستین حضرت
 حاجی صاحب اند سکونت در محال میزانه از توابع قندهار داشتند دوران حد و خلق
 بسیار از مردم غلزی افغانان ببرکت صحبت ایشان از اعمال و حثیانہ رو بصلح آوردند
 ایشان هفت پسر خلف گذاشتند محمد کبیر محمد نظام محمد فدائی دین آغا امام الدین
 غلام حیدر غلام صدیق حضرت عبدالکبیر فرزند نخستین حضرت بهار الدین اند مؤلف
 بشرط ملاقاتش رسیده است لباس فقیری بطرح افغانہ بامواس دراز میر در بر داشتند
 ایشان نہ پسر خلف گذاشتند محمد سعید غلام محی الدین غلام فاروق محمد معصوم محمد ایوب
 از نامہاے چهار باقی آگهی نشد میان محمد سعید که فرزند اول حضرت عبدالکبیر بودند رحلت
 نموده اند سه پسر خلف گذاشته اند عبدالحمید حبیب احمد ابراهیم جان عبدالحمید پسر محمد سعید
 یک پسر سسی فضل محمد جان از اولاد دو برادر باقی عبدالحمید آگهی نشد میان غلام محی الدین
 فرزند ثانی حضرت عبدالکبیر را چهار پسر عبدالحمید عبدالنشان عبدالحمید فدائی جان
 میان غلام فاروق فرزند ثالث حضرت عبدالکبیر را یک پسر میان عبدالرحمان
 میان عبدالرحمان را نیز یک پسر عبدالستار میان محمد معصوم فرزند رابع حضرت
 عبدالکبیر را سه پسر غلام رسول عبدالنور و سعد الله جان غلام رسول دو فرزند دار محمد غلزل
 دامیر محمد میان محمد ایوب فرزند فامس حضرت عبدالکبیر را پنج پسر عبدالنور عبدالغفور
 عبدالکریم محمد یعقوب محمد عظیم میان نظام الدین عرف نظام آقا فرزند دوم حضرت
 بهار الدین بن حضرت حاجی صاحب بودند احوال اولادش معلوم نشد میان فدائی محمد
 عرف فدای آقا فرزند سوم حضرت میان بهار الدین صاحب بود او شانرا دو پسر غلام قادر

غلام محی الدین غلام قادر یک پسر دارو میان فضل الدین نام. دین آقا که فرزند چهارم
 حضرت میان بهار الدین صاحب بود از ایشان دو پسر خلف شدند محمد حسن و اکبر جان
 میان محمد حسن را یک پسر است فتح محمد نام. میان امام الدین و میان غلام جید که
 فرزندان خامس و سادس حضرت میان بهار الدین صاحب بودند احوال اولاد آنها
 معلوم نشد میان غلام صدیق فرزند سابع حضرت بهار الدین را دو پسر خلف شدند میان
 شیرین و میان سرور جان میان شیرین را یک پسر محمد سلیم نام سلمه ربهم حضرت میان غلام
 عرف میان لالا صاحب فرزند ثانی حضرت حاجی صاحب قدس سره بودند سکونت در قریه
 سره از توابع قندار داشتند مؤلف کتاب بشارت دست بوسی شان رسیده بود و شخصی متبرک
 و متمول و با وقار بودند در ششم سفر حرمین الشریفین کردند و در آنجا قندار خود حدود ۱۲۹۶
 رحلت کردند چهار پسر داشتند میان جان صاحب میان نور محمد میان غلام اعظم
 که مشهور به کوکوا آقا است میان محمد سعید میان جان صاحب که پسر اول حضرت میان لالا
 بودند هم در چات قبله گاه خود رحلت نمودند یک فرزند خلف گذاشتند میان عبد الحمید
 ایشان بکمال مروت و فتوت آراسته بودند در ۱۳۳۳ انتقال فرمودند در مقبره اجداد
 خود واقع مرده مدفون شدند یک پسر خلف گذاشتند میان محمد حسن عرف حسنو آقا
 ایشان را یک فرزند مسمی اختر محمد بچر و در زده سالگی سلمه ربهم میان نور محمد فرزند دوم حضرت
 میان لالا صاحب دو پسر خلف گذاشتند عبد القدوس و سرور جان میان عبد القدوس من گور
 را دو پسر شیرین جان و ابراهیم جان و میان سرور جان را یک پسر مسمی میان عبد الحکیم
 میان غلام اعظم عرف کوکوا آقا و فرزند سوم حضرت میان لالا صاحب را چهار پسر میان
 بهار الدین میان عبد الستار میان غلام حسن میان ضیاء الدین سلمه ربهم میان محمد سعید فرزند

چهارم حضرت میان لالا صاحب را یک پسر میان عبدالحکیم نام حضرت میان عبدالحکیم
فرزند ثالث حضرت حاجی صاحب ایشان را دو فرزند خلف شدند میان احمد جان و میان
احمد جان برود انتقال فرمودند میان احمد جان مذکور را سه فرزند خلف شدند میان عبدالباقی
میان عبد الغفور میان عبد الغنی میان عبدالباقی موصوف رحلت نمودند یک فرزند خلف
دارند میان عمر جان نام و میان عبد الغفور برادر و عم میان عبدالباقی را سه فرزند میان
عبد القیوم میان عبد الظاهر میان عبد الرحیم سلیم ربهم و میان عبد الاحد جان که فرزند
ثانی حضرت عبدالحکیم بودند ایشان را دو فرزند محمد یعقوب و عبد الله جان سلیم ربهم با حضرت
میان غازی فرزند هفتم حضرت شاه غلام حسن و عم ششم حضرت جد امجد قدس الله
تعالی امر ربهم بودند حضرت حاجی صاحب بن حضرت شاه غلام حسن و حضرت میان
غازی صاحب ترجمه و حضرت میر غلام نبی صاحب والد حضرت صاحب عمده هر سه برادر
بهم عینی بودند والد ایشان از سادات کرام بود چنانچه والد حضرت شاه غلام حسن
و شاه غلام حسین نیز از سادات کرام بود و والد حضرت جد امجد صاحب عمده المقامات
در ادرعینی اوشان حضرت شهید خود حضرت بی بی صاحبه کلان دختر شاه عطا الله صاحب
بخاری است ازین سبب بر اسماء مبارک این هر سه طبقه لفظ شاه و میر اطلاق میشود
حضرت میان غازی صاحب سکونت در محال بوری که ناحیه ایست از لواحق قندهار
میداشتند و صاحب نسبت عالی بودند انتقال هم در بوری فرمودند ایشان چهار
فرزند خلف گذاشتند میان غلام ابراهیم میان غلام جیلانی میان غلام محی الدین
میان عبد الحمید حضرت میان غلام ابراهیم فرزند نخستین حضرت میان غازی صاحب
بودند صاحب نسبت قوی بودند اکثر عمر شریف خود را در ریاضات میگذرانیدند

کرامات و خوارق عادات از حضرت ایشان زبانزد اهل آن و یار است ایشان نیز
 انتقال در بوری کردند و فرزند خلف گذاشتند میان غلام معصوم و میان عبد القدوس
 میان عبد القدوس در جوانی رحلت نمودند حضرت میان غلام معصوم را یک فرزند
 خلف ماند میان محمد سالم نام که نواسه حضرت آقا صاحب فرزند دوم حضرت شهید
 و داماد حضرت والد مؤلف بودند بحاجن صوری و معنوی آراسته بودند در عین جوانی در
 قضیه طاعون در شهر کراچی ۱۳۳۵ انتقال فرمودند یک فرزند خلف گذاشتند
 میان غلام ابراهیم ایشان نواسه حضرت والد مؤلف بودند صلاحیت نیک داشتند
 افسوس که بجز بیت سالگی در قضیه طاعون مناری شدند در حدود ۱۳۳۵ لا ولید رحلت
 نمودند. خاندان حضرت غلام ابراهیم اول بن حضرت میان غازی صاحب بر غلام
 ابراهیم ثانی بن محمد سالم ختم گشت **بِذِی الْاَکْمَرِ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ** حضرت غلام جیلانی
 فرزند دوم حضرت میان غازی بودند سکونت در بوری مذکور داشتند جلالت و شہادت
 بسیار داشتند با قوم هزاره که شعبه از شعب روافض است دوران حدود با افغانان
 هم جوار بستند و در آن عصر نهب و تاراج و مقاله از طرفین با هم بوقوع می آمد حضرت
 غلام جیلانی نیز در معرکه از معارک قوم هزاره بزرخم گله تفنگ شربت شہادت چشیدند
 چهار پسر خلف شدند میان غلام قادر غلام محمد غلام رسول غلام محمد و حضرت میان
 غلام قادر بطور الولد بیتر تلابیه در فن جلالت و تهور چون پدر بزرگوارش مشہور
 آفاق گشتند بمصر و مخلص قبله گاه مؤلف بودند اکثر اوقات عمر عزیز خود را در وار و گیر
 مقاله قوم روافض بسر می بردند اما چونکه آن قوم اشتیاق در نہایت قوت و شکت
 و کثرت بودند کاریکه میخواست کما هو حقہ اتفاق نمی افتاد آخر بکلمه الحرب خد عتہ

مکالمہ مصالحوں در میان آوردند و قسے نہ نفر از صنادید و سروران اشتیاقاً بطرح مسالمت
 نزدش نزول نمودند حضرت میان غلام قادر بعد ادای حقوق ضیافت یک یک
 از ہما نخانہ کشیدہ و در سلج ذباحت آوردہ و ذبح میکنانید تا کہ جملہ را در انتظام والد شہید خود
 ذبح نمودند و نیز چندے آورہ میگشت آخر بعد از انتظام حکومت بر جہاں خود استقرار
 یافتند و در حد و دشت در شہر کلات بلوچی رحلت نمودند از ایشان یک فرزند نام
 عبد اللہ نام کہ بطرح لا ابالی در حد و دشت میگذرانند میان غلام محمد پسر دوم
 حضرت غلام جیلانی در غربت و در حد و کوچ و کوچ رحلت نمودند لا عقب لہ میان غلام محمد
 پسر سوم حضرت غلام جیلانی او آخر عمر خود در حد و دشت با و ضلع مختلف بسر بردند و در شہر
 یا لا ضلع حیدر آباد رحلت نمودند از ایشان چہار پسر خلف شدند عبد الحمید محمد ابراہیم محمد عیسیٰ
 احمد جان میان غلام محمد و پسر چہارم حضرت غلام جیلانی در عنقوان جوانی در شہر قندہار
 وفات نمودند لا عقب لہ و میان غلام محی الدین فرزند ثالث حضرت میان غازی و
 میان عبد الحمید فرزند رابع حضرت میان غازی را عقب معلوم نشد با انجام رسید
 احوال اولاد حضرت غلام حسن قدس سرہ رحمہ اللہ تعالیٰ اسلام فہم مبارک فی اخلا فہم -

تذکرہ سابعہ در بیان اولاد قطب دین قیوم جہان بدوہ الدین حضرت حاج محمد صفی شہید

احوال حضرت ایشان از ابتدا سن طفلی تا وصولش بمقامات عالیات و تفصیل کشف
 و کرامات و شمول فیض عاشر تمامی جہات و وفات ایشان در سمرقندستان
 و مزار فیض الوارث در حدیدہ از ہما در بین جملہ در عمدۃ المقامات حضرت جد امجد
 بتفصیل تمام نوشتہ اند بلکہ موضوع کتاب مذکور و علت غائی او ذکر حضرت ایشان است

این کتاب که موضوعش بیان انساب مجددیان است گنجایش بر خیز از آن تفصیل
ندارد و حضرت ایشان فرزند نهم حضرت قطب الاقطاب شیخ حاجی غلام محمد محصوم
معروف بمعصوم ثانی اند و ولادت ایشان چهارم ذی قعدة ۱۰۶۱ هـ از والد شریف ایشان
منقول است که سبب تولد ایشان زیارت حضرت ابوالبشر علیه السلام مشرف شدن
حضرت ابوالبشر در واقعه بشارت دادند که فرزند بخانه تو فرزند من تولد خواهد شد که عجب بزرگوار
و وارث نسبت آباء و اجداد خواهد بود و عالمی از منور خواهد شد اسم مرا بوسی گذار چون
ایشان بیدار شدند و بعد نماز فجر در خانقاه مشغول مراقبه شدند و دیدند که عجب حسنی بخانه
ایشان نزول نموده میگوید که برای زیارت فرزند تو متولد شده تو آمده ام دین
بودند که بشارت تولد آن قرۃ العین بمع مبارک رسانیدند - انتهى مختصراً - صاحب بدیه
مینویسد ایشان ولی کامل و عالم فاضل و صاحب تصانیف بودند هیچ مهربان این بود

کلمه لا اله الا الله	کنده بر لوح دل صفی الله
----------------------	-------------------------

مؤلف گوید وفات ایشان صبح یوم آئین ماه ذی قعدة ۱۰۸۰ هـ در جہاز بقرب حدیدہ
مدفون شہر حدیدہ فقیر در سن ۱۸۰ بخدمت حضرت قبلہ خود زیارت ایشان مشرف
شده است - طوبی لمن زارہ - ایشانرا سوا سے بنات ہشت پسر خلف ماندند حضرت
شاہ ولی اللہ حضرت میان قدرۃ اللہ حضرت میان کرامۃ اللہ حضرت میان امین اللہ
حضرت میان ذکر اللہ حضرت میان ظہور اللہ حضرت میان مطہج اللہ حضرت میان
عبدالباقی قدس سرار ہم حضرت شاہ ولی اللہ فرزند نخستین حضرت قیوم جهان بودند
احوال و درجات کمال و اکمال و زہد و تقوی و تبتل و انزوار ایشانرا حضرت جدایم
بتفصیل نوشته اند آنچه بمؤلف کتاب معلوم شدہ ایشانرا یک پسر بود میان علمائے

کہ در مراجعت از سفر حرمین الشریفین بسبب شکست جہاز در ریایے شور
 شہادت شہادت چشیدند ایشانرا یعنی حاجی میان غلام رسول نایک پسر
 عقب ماند کہ نامش و نام اولادش معلوم شد۔ حضرت میان قدرۃ اللہ فرزند دوم حضرت
 قیوم جهان بودند زبده اصحاب کمال قدوہ ارباب حال بودند از حضور حضرت
 والد بزرگوار خویش کسب کمالات طریقہ نقطہ انتہا رسانیدہ بودند بحدارت حال والد
 شریف بر سندان شاو جلوہ فرما شدند در نواحی کوہستان کابل سکونت داشتند
 ایشانرا شش فرزند خلف شدند میان آیت اللہ میان فضل اللہ میان عطایے نقشبند
 میان تنائقشبند میان گدایے نقشبند میان فدایے نقشبند حضرت میان آیت
 کہ فرزند نخستین حضرت قدرت اللہ بودند در حین حیات والد ماجد خود کامل و
 مکمل گردیدہ بودند از ایشان سہ فرزند خلف شدند حضرت میان نبی اللہ میان غلام
 میان نثار اللہ حضرت میان نبی اللہ کہ فرزند اول حضرت میان آیت اللہ بودند از ایشان
 چہار فرزند خلف شدند میان فضل اللہ میان غلام محی میان غلام قیوم میان عبدالسلام
 از انجملہ میان غلام قیوم بجز شہادت رسیدند سہ فرزند خلف گذاشتند میان
 عبدالواحد میان عبدالصادی میان گل جان سلیم بہیم سہ فرزندان باقی حضرت
 میان نبی اللہ را عقب معلوم شد حضرت میان غلام اللہ فرزند دوم حضرت میان
 آیت اللہ را دو پسر عقب شدند میان آقاے شیرین میان جان میان آقاے شیرین
 یک پسر میان گدایے جان سلیم بہیم حضرت میان نثار اللہ فرزند سوم حضرت
 میان آیت اللہ دو پسر خلف گذاشتند میان غلام سرور میان غلام قادر میان غلام نور
 را یک پسر سہی میان غلام جان میان غلام قادر را نیز یک پسر سہی میان غلام حیدر

سلمهم ربهم حضرت میان فضل الله فرزند دوم حضرت قدرة العبد بن حضرت قیوم جهان ایشان
 نیز در حیات والد بزرگوار بدرجه کمال رسیده بودند از ایشان شش پسر خلف
 مانند میان حزب الله میان شیرین آقا میان تبرک میان پادشاه میان غلام محمد
 میان گل آقا حضرت میان حزب الله راعقب معلوم شد میان شیرین آقا را یک
 پسر سسی میان عبد الله جان حضرت میان تبرک را دو پسر میان آقا کلان میان
 آقا میاخی حضرت میان پادشاه فرزند چهارم حضرت میان فضل الله شش معمر زاده
 متقی صاحب کمالات بودند از جد بزرگوار خود حضرت میان قدرة الله کسب
 کمالات سلوک کرده بودند و اتمام سلوک از والد بزرگوار خود کرده صاحب ارشاد
 بودند ایشان را سه پسر خلف مانند حضرت میان غلام محمد و حضرت میان آقا میر حضرت
 میان فدائے معصوم حضرت میان غلام محمد و رانج پسر میان غلام نبی میان
 غلام معصوم میان غلام محی الدین میان فدائے محمد و میان عبد الرزاق از ان جمله
 میان فدائے محمد و در سفر حرمین الشریفین انتقال فرمودند یک پسر عقب گذاشتند
 میان غلام نقش شبنم و سرائیز یک پسر میان گل جان آقا و دیگران راعقب معلوم
 شد حضرت میان آقا میر پسر دوم حضرت میان پادشاه را دو پسر میان غلام فاروق
 میان عبد الرحیم سلمه چهار بچا حضرت میان فدائے معصوم پسر سوم حضرت میان پادشاه را دو
 پسر میان غلام ربانی که حافظ قرآن مجید است و میان غلام محمد نام سلمه ربهم حضرت
 میان غلام حضرت فرزند پنجم حضرت میان فضل الله را دو پسر میان آقا حضرت میان عطاء محمد
 حضرت میان گل آقا فرزند ششم حضرت میان فضل الله را یک پسر میان میر آقا
 سلمه ربهم حضرت میان عطاء نقش شبنم پسر سوم حضرت میان قدرة الله بن حضرت

قیوم جهان را یک پسر حضرت میان آقا صاحب اوشا نرانی یک پسر می میان حضرت
 جان حضرت میان آقا نقشبند پسر چهارم حضرت میان قدرة بن حضرت قیوم
 جهان و حضرت میان گدش نقشبند پسر پنجم حضرت میان قدرة الله و حضرت
 میان فدائ نقشبند پسر ششم حضرت میان قدرة الله اولاد این هر سه حضرات
 اخیر الذکر معلوم شد. اینجا با ختم تمام رسید احوال اولاد حضرت قدرة الله قدس سره
 حضرت میان کرامت الله فرزند سوم حضرت قیوم جهان قدس سره انتباه صاحب
 عمدة المقامات این حضرت را فرزند سوم حضرت قیوم جهان مقرر کرده اند و نوشته
 که در توابع ملکی سکونت دارند بنا بران فرزندان محبت مانده حضرت ایشان را
 هشت نوشته اند و حضرت میان فضل محمد صاحب کابلی نبیره زاده حضرت
 خواجه میان عبدالباقی صاحب قدس سره که این تذکره اکثر از فرموده ایشان تحریر
 میشود این حضرت اعنی میان کرامت الله را اصل نوشته اند و فرزندان خلف شده
 حضرت قیوم جهان قدس سره را هفت نوشته اند و العلم عند الله تعالى
 حضرت میان امین الله فرزند چهارم حضرت قیوم جهان قدس سره صاحب عمده
 در حقیقت انقدر فرموده اند که این مخدوم زاده طبع شغریار خوب دارند انتهی بموت
 گوید این رباعی در اخیر قصیده در تاریخ رحلت حضرت والد ماجد خود قدس سره
 نهایت موزون فرموده اند. صاحب اعی -

اصد

سز عجیب فکر برجم تا تنم گفتا امین	ای چنین تاریخ میگو تا نگوید کس جواب
رفت از خلق از وفات آن شه قیوم وقت	عقل از سر سز بستر بستر از خواب خراب

ایشان در غوغا سکھان شربت شهادت چشیده اند از جناب ایشان سر فرزند خلف مانند

حضرت میان عظیم الله رحمه رب حضرت میان عزیز الله مشهور بحضرت گدائی مجدد حضرت میان
 عتیق الله حضرت میان عظیم الله فرزندان نخستین حضرت میان امین الله بن قیوم جهان اندکس
 بانواع فضائل آراسته بودند سکونت در کمالات بلوچی اختیار فرموده بودند و بانتهای عمر
 طبعی رسیده بودند مؤلف کتاب عفی عنه در حدود شش هزار و دویست و هشتاد و پنج که
 عمرش کمتر هفت ساله بود زیارت حضرت عظیم الله در شهر قندهار شرف شده بود
 چهره خوب داشت نهایت سحر با محاسن سفید پرانوه بودند ایشانرا یک پسر بود حضرت
 میان حبیب الله رحمه رب ایشان اکثر ایام آخر عمر خود در شهر بمبئی بکمال عزت
 بسر بردند و مردم آنجا از انوار فیوضاتش بهره مند گشتند تا الیوم مرید زاده های
 حضرت ایشان در بمبئی موجودند و حضرت اوشان هم در عین شباب در حدود ۱۲۷۰
 هم در حیات والد بزرگوار خود در بمبئی انتقال فرمودند و مقدم نورش در آنجا مشهور و معروف
 است از اوشان نیز یک فرزند خلف ماندند حضرت میان عبد القدوس مشهور
 بحضرت شیرین جان صاحب این حضرت عمه زاده مؤلف کتاب عفی عنه بودند و حدود
 شش در شهر قندهار متولد شدند از ایام طفولیت تا سن شهاب تربیت صورتی
 و معنوی از حضرت قبله و کعبه مؤلف یافته بودند و بانواع کمالات فائز شده بودند
 و سلوک خاندان مجددیه بترتیب از حضرت قبیله ماکه خال ایشان بودند با آخر سالی
 بودند و مجاز نشده بودند در حیوة حضرت مرشد خود صاحب ارشاد بودند و در زهد و تقوی
 و فهم و فراست یگانه روزگار بودند از فرط اشتیاق که حضرت قبله مابرا داشتند و را
 بشرف دامادی خود قبول فرموده بودند و انواع بشارات و رحق اوشان بر زبان مبارک
 می آوردند بمرثعت و دوسالگی در شهر هندو محمد خان ضلع حیدرآباد و سنده تاج پشایم

ماہ محرم شب جمعہ انتقال فرمودہ انشاء اللہ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُوْنَ تاریخِ حلیتِش کبر لوجِ مرقدش
کنندہ اند مؤلف کتاب چنین گفته :-

شیخ عبد القدوس حق آگاہ	کردین داری بے بقار حلت
شبِ بخشنہ چلم عاشور	روح شان شد روان سوخت
سالِ ترحیل او گفت حسن	لفظِ مغفور با سرِ حسرت

ایشان سہ پسر خلف گذاشتند میان عبد السلام میان محمد عمر میان عبد الغفار میان
عبد السلام کہ فرزند نخستین حضرت عبد القدوس اند با نواع فضائل موفّق اند بر سجد
والد مکرم خود گشتہ اند عمرش تقریباً سی و سہ سال میان محمد عمر فرزند دوم حضرت
عبد القدوس اند این صاحبزادہ اکبر خلقے است فہم و فراست بہمال دارند عمرش
نوزدہ سال میان عبد الغفار فرزند سوم حضرت عبد القدوس اند طالب علم با استعداد
است عمرش پانزدہ سال میان عبد السلام مذکور را در این وقت یک پسر میان احمد جان
کہ نواسہ مؤلف کتاب است سلمہم ربہم حضرت میان عزیز اللہ عرف میان گدای محمد
فرزند دوم حضرت میان امین اللہ بودند ایشان را یک دختر بود مشوب بہ میان محمد شریف
شکار پوری ولد حضرت فدائے محی الدین دیگر فرزند زینہ از حضرت میان گدای محمد
خلف نامہ حضرت میان عتیق آمد فرزند سوم حضرت میان امین اللہ بودند ایشان در رفیق
سپاہیگری و تقرب سلاطین و جلالت و شہاست حظ وافر داشتند از ایشان چہار
پسر خلف ماندند میان محمد یعقوب میان غلام نقشبند میان محمد اعظم میان عبد الحکیم
میان محمد یعقوب را خلف نامہ میان غلام نقشبند را دو پسر میان عبد الغفور میان
عبد اللہ حضرت میان عبد الغفور را یک فرزند حضرت عبد الشکور را اولاد میان

عبدالله آگهی نشد حضرت میان محمد عظیم فرزند سوم حضرت میان عتیق الله را چهار پسر
خلف شده است میان محمد امین میان عبدالرسول میان محمد فضل میان عبدالقدوس
از انجمله میان محمد امین را دو فرزند موجود است میان محمد اشرف میان محمد فرخ سلیم
حضرت میان عبدالحکیم فرزند چهارم حضرت میان عتیق الله را دو پسر میان علی جان و
میان محمد عظیم سلیم ربهم - حضرت میان ذکرا الله فرزند پنجم حضرت قیوم جهان قدس سره
در کوhestان کابل سکونت داشتند و آخر عمر شریف شهادت مشرف شده اند و پسر
خلف گذاشتند حضرت میان پادشاه لاقب له حضرت میان عنایت الله حضرت عنایت
را دو پسر خلف شدند حضرت میان هدایت الله حضرت میان حضرت میان هدایت
را سه پسر میان فدای احمد میان عبدالشکور میان عنایت الله میان حضرت صاحب
نیر سه پسر میان عبدالعزیز میان عبدالرفیع میان عبدالکیم سلیم ربهم - حضرت میان ظهور الله
فرزند ششم حضرت قیوم جهان قدس سره این محذورم زاده در طفولیت نهایت مقبول
والد شریف خود بودند بس کمال و تکمیل رسید بعد از ولادت چهار پسر خلف گذاشتند
حضرت میان فدای معصوم حضرت میان گدای معصوم حضرت میان عطای معصوم
حضرت میان سید احمد حضرت میان فدای معصوم که فرزند اول حضرت میان
ظهور الله است دو پسر خلف گذاشتند حضرت میان غلام سرور حضرت میان گل بادشا
حضرت میان غلام سرور نیز دو پسر دارند میان غلام عثمان میان غلام حسن - میان
غلام عثمان را یک پسر می میان شیربجان میان غلام حسن را نیز یک پسر میان
آقا گل جان حضرت میان گل بادشا پسر دوم حضرت فدای معصوم را یک پسر
میان غلام بهار الدین که بمفقود است حضرت میان گدای معصوم فرزند دوم حضرت

میان ظہور الدین رشتہ پر خلف شدند میان فضل محبوب میان فضل علی جان میان
 فضل نبی میان محمد ششم میان فضل رحمان میان فضل صدیق حضرت میان فضل محبوب
 سر فرزند میان شیر جان آقا گل جان نعل بادشاہ حضرت میان فضل علی را یک پسر
 میان فقیر جان و حضرت میان فضل نبی را نیز یک پسر اکبر جان میان محمد ششم را چہار
 پسر معشوق جان صبور جان یعقوب جان نام چہارم معلوم شد سلمہم رہم۔
 حضرت میان فضل رحمان را یک پسر گل صاحبزادہ حضرت میان فضل صدیق را دو فرزند
 است میان فضل صابر میان جان سلمہا رہما حضرت میان عطائے معصوم پسر سوم
 حضرت میان ظہور الدین را چہار فرزند خلف شدند حضرت میان ضیاء معصوم حضرت
 میان محمد امین حضرت میان غلام جیلانی حضرت میان محمد سعید حضرت میان ضیاء معصوم
 صاحب ارشاد و سالک مسلک سدا و بودند و تواضع و خلق عظیم و قناعت بقلیل
 و زہد و تقشف لباس خط عظیم داشتند اکثر اوقات در جوار بیت اللہ معظم میماندند و
 رفت و آمد حضرت ایشان بچہرین الشریفین مخلصانش از شہر بمبئی و سایر بلاد مہند
 فیضیاب مے فتنند و در حد و شہ انتقال فرمودند و در تواج جلال آباد محل چار باغ
 کہ مسکن داشتند مدفون یافتند احوال و اسماء اولادش عنقریب ذکر خواہد شد حضرت
 محمد امین فرزند ثانی حضرت میان عطائے معصوم را خلف نماںد حضرت میان غلام جیلانی
 فرزند ثالث حضرت میان عطائے معصوم را دو پسر میان غلام ربانی میان عبداللہ
 سلمہا رہما حضرت میان محمد سعید فرزند رابع حضرت میان عطائے معصوم شخصے صاحب ارشاد
 و طریقہ علیہ قادر بر خلیفہ جناب ملا نجم الدین صاحب اند کہ او از طرف جناب اخوان صاحب صفت
 علیہ الرحمۃ ماذون بودند اولادش معلوم شد حضرت میان سید احمد پسر چہارم حضرت میان

ظهور العذر از وی پس میان فضل رحیم میان حبیب جان حضرت میان ضیا معصوم صاحب
دو پسر خلف شدند میان عبدالقادر و میان جی حضرت میان عبدالقادر را پنج پسر خلف شدند
میان سلطان جان میان خواجه جان میان گل جان میان شیرین جان میان مختار جان
سلمهیم بهم و حضرت میان جی برادر میان عبدالقادر را اولاد معلوم نشد حضرت
میان مطیع الله فرزند هفتم حضرت قیوم جهان قدس سره بودند از احوال این حضرت جد
المجید صاحب عمده اینقدر نوشته اند که بعد از والد خود در جوانی رحلت نمودند و بعد از
حضرت خواجه حاجی میان عبدالباقی فرزند هشتم حضرت قیوم جهان قدس سره حضرت
جد المجید صاحب عمده در بیانش اینقدر نوشته اند عمر این مخدوم زاده در حیات
والد شریف خود بدو سالگی رسیده بود و والده این مخدوم زاده از اولاد حضرت خواجه
خواجه گان بهار الدین بلا گردان است رضی الله عنه ازین ممر بتولد این مخدوم زاده
حضرت مرشد قیوم جهان خلیه محفوظه شدند اللهم وفقه فیما تحب و ترضی انتهى -
و حضرت اخوی میان فضل محمد صاحب که اکثرین تذکره از نوشته ایشان ثبت میشود
در احصاء اوصاف و القاب کمال اطناب فرموده اند و الحق مرتبه کمال حضرت
ایشان فوق آنست که کسی به ستایش آن برسد اما از آنجا که بنام این کتاب
بر اختصار است شمه از تحریر ایشان بجا رشتن ثبت می شود - بدانکه حضرت ایشان
از طرف مادر سید و والده ماجده ایشان از اولاد حضرت احمد جام زند پیل است
قدس سره و بسن چهارده ساله از حضرت قبله خود باز ماندند - انتهى بلفظ - مؤلف گوید
عفی عنه که عبارت حضرت موصوف با عبارت حضرت صاحب عمده در و محل مخالفت
دارد و یکی که صاحب عمده المقامات والده حضرت ایشان از اولاد حضرت خواجه

محمد نقشبند قدس سرہ نوشتہ اند و حضرت موصوف از اولاد حضرت احمد جام قدس سرہ
دوم آنکہ عمر حضرت ایشان را صاحب عمدہ حسین انتقال والد بزرگوارش دو سالہ
نوشتہ اند و حضرت موصوف چہار دہ سالہ نوشتہ اند و العلم عند اللہ تعالیٰ۔ رجوع
بغبارت حضرت اخوی موصوف و بشرت انابت از حضور مرشد و قبلہ خود مشرف شدہ
در ہمان صغیر سن از دولت حضور مشاہدہ حظ جسیم یافتہ و باشارات عالیہ و بشارات
متعالیہ چہ در حضور و چہ در غیب ایشان را مے نواختند چنانچہ در سفر حرمین الشریفین کہ
آخرین سفر حضرت قیوم جهان است قدس اللہ تعالیٰ سرہ بحقائین پناہی مخدوم محمد ابراہیم
کہ از اجلہ علقار ایشان است در ایام قریب انتقال خطاب فرمودند کہ صاحب
نسبت خاص و جانشین بالاخصا ص فرزند کہتر میان عبدالباقی است و فردی بزبان
الہام ترجمان ارشاد فرمود بطریق صحیح ہر صفحہ خاتم کہ نقش فرمودہ بودند تسلیمش نمودند
و نیز ارشاد شد کہ شما آن قرہ باصرہ را بخواسید دید فرزند شما محمد ہاشم بشرف صحبت
خواہد رسید و از گلشن معرفت جرعہ خواہد کشید این خاتم را بوی بسیارید کہ بچہ
فرزند عزیزم تقدیم نماید منقوشہ خاتم این است ۛ

بہار در گذراست و شتاب کن ساقی

ز گلستان صفی ماند یک گلے باقی

اتہی بلفظہ۔ بعد از ان چندے از کرامات حضرت ایشان نوشتہ اند۔ مؤلف گوید یعنی
کہ وفات حضرت ایشان در شہر کابل در حدود ۷۸۰ ہزار و دویست و ہشتاد و پنج
تقریباً واقع شد و جز انتقالش بیاد فقیر است رحمہ ربہ۔ حضرت ایشان را سرہ فرزند بودند۔
حضرت حاجی غلام حیدر حضرت میان غلام صدیق حضرت میان غلام عمر حضرت

حاجی میان غلام حیدر فرزند بزرگ حضرت ایشان بودند و بکمال لطافت ظاهری و باطنی مستعد
 و بدولت ارشاد از حضور والد شریف خود متعهد لیکن مسترشین کمتر می پرداختند و
 اوقات گرامی خود مصروف وظائف عبودیت می ساختند پس هفتاد و سالگی در
 سنه هزار و سه صد و پنج هفتم ربیع الاول بر حمت حق پیوستند ایشان
 سه فرزند داشتند حضرت میان عبد الاحد حضرت میان عبد القادر حضرت میان
 عبد القادر حضرت میان عبد الاحد را یک فرزند حضرت میان عبد الواحد
 و حضرت میان عبد القادر را نیز یک پسر میان محمد یوسف سلمی هم از احوال اولاد میان
 عبد القادر آگهی نشد حضرت میان غلام صدیق فرزند دوم حضرت حاجی میان
 عبد الباقی بودند سنده افاضت بوجود مبارکش مزین بود و مراتب سلوک از خدمت
 والد ماجد خود باخبر مانیده و بعد از تحال والد بزرگوار بر سنده ارشاد جلوس فرموده خلایق
 کثیر از فیوضاتش بهره یاب شدند آخر بمرسئون تاریخ پنجم جمادی الثانی هزار و سه صد و پنجاه و پنج
 در شهر کابل انتقال فرمودند رحمه رب ایشان را یک فرزند خلف ماند حضرت میان غلام قیوم
 وجود مبارکش تبعا لآبائه الکرام بالذراع فصائل صوری و معنوی آراسته بود و سنده ارشاد
 از الذاریه و صفاتش تازه اکثر ایام عمر شریفش بالذراع امراض و اسقام میگذاشت با وجود
 آن وظائف شریعت و طریقت را بحدی مری میباشتنند که باعث حیرت ناظرین
 میگشت مولف عفی عنه در حدود سنه ۱۳۲۹ هجری مرجمت ایشان از سفر کاشیاء در و درش
 بر دیار سنده بشرف زیارتش رسیده بود و چند روز در سفرشان تا کوه سنده و در حد افغانستان بخدمتش
 ملازم ماند و وجود شریفش فخر خاندان مجددیان در رونق بخش طریقه نقشبندیان بود و انوس که
 هم در آن ایام سنه هزار و سه صد و سی در شهر کابل رحلت فرمودند اخوی حضرت محمد فضل

فرزند نخستین ایشان بیان اوصافش و قصه وفاتش با شتباع نوشته اند و آخر میفرمایند
تاریخ وصالش که در عالم رویا این بیچیدان را از عالم غیب رسیده این فرد است

نهاد افسر فردوس را در عنوان گفت

مجدد مائه رابع العشر آمد

توفی رحمه الله تعالی لیلۃ السبت لاربع و عشرين خلون من شعبان المحرم ۳۳۰ هـ
ایشان سه فرزند خلف گذاشتند حضرت میان فضل محمد حضرت میان فضل عمر حضرت میان
محمد صادق حضرت میان فضل محمد فرزند نخستین حضرت ایشان است و سجاده نشین
حضرت قیوم جهان قدس سره و وجود مبارکش با انواع فضائل از علم و عمل آراسته و از
نسبت خاص مجدیه بهره کامل یافته در این وقت بحمد الهی مسند ارشاد حضرت کرام
وجود مسعودش واقع در السلطنه کابل مزین است سلمه ربّه و البقاء مؤلف عفی عنه
شرف ملاقاتش وقت تشریف آوردی والد بزرگوارش به دیار سنده دریافت متع
الله السالمین بطول حیات ایشان را دو پسر حضرت میان سنای محصوم حضرت میان
عبد اللطیف حضرت حاجی میان فضل عمر فرزند دوم حضرت میان غلام قیوم اند ایشان
نیز موفق با فضائل نامتناهی اند علم و عمل و تواضع با نسبت مجدویه ایشان را حاصل
مؤلف بشرف ملاقاتش در ۱۳۳۴ در مکه معظمه و در منی ایام حج رسیده و محفوظ نگشته
سلمه ربّه ایشان را یک پسر معلوم شده سسی میان فضل عثمان حضرت میان محمد صادق فرزند سوم
حضرت غلام قیوم اند احوال اولاد این حضرت معلوم نشده سلمه ربّه حضرت میان
غلام عمر فرزند ثالث حضرت خواجه میان عبد الباقی قدس سره بودند کلمات موری و مخوفی از
حضرت والد بزرگوار خود حاصل نموده بودند اما افسوس که در سن شباب در چپوه حضرت

قبله گاه خود رحمت حق پیوستند از ایشان یک فرزند خلف ماند حضرت میان نام الدین معروف بحضرت جانان ایشان نیز در علم ظاهر بر مرتبه کمال رسیده بودند طبع شعری روان داشتند خط خوب مینوشتند مولف را با ایشان در حدود ۱۲ ملاقات حاصل شده از ایشان اولاد ذکر خلف نماند رحم الله تعالی اسلام فہم و بارک فی اخلافہم۔

انتباہ۔ آنچه نامہاے حضرات در این تذکرہ ذکر شدہ است از نوشتہ حضرت اخوی محمد فضل صاحب موصوف در تحریر آیدہ اند و آن نوشتہ چہار پنج سال قبل از تحریر این کتاب ثبت شدہ بعد از آن تا اینوقت بحتمل کہ حضرات کثیر بوجود آمدہ باشند کہ اسم ایشان داخل این تذکرہ نشدہ باشند و همچنین حال در تذکرہ ماے دیگر کہ بران وقوف باید و بان لمحق نماید باعث اتمام فائدہ خواہد بود۔ باجمام رسید ذکر اولاد حضرت قیوم جہان قدس سرہ و با تمام آن باختتام رسید احوال اولاد حضرت عودۃ الوثقی رضی اللہ تعالیٰ عنہ و رزقنا اللہ تعالیٰ و جمیع اولادہ رشتہ من بکار فیضانہ

تذکرہ نامہ در بیان احوال اولاد حضرت شیخ محمد یحییٰ عرف شہاب جیو فرزند صغیر حضرت مجدد الف ثانی رضی اللہ عنہ

ولادت با سعادت ایشان در ۱۲۸۰ واقع شد و بتاریخ بست و ہفتم جمادی الاخری ۱۲۸۰ بمکہ منقاد و یک سال رحلت فرمودند و در سر مہند شریف در گنبد علیحدہ متصل گنبد والد بزرگوار خود از جانب قبلہ آسودند از حضرت بنین کسب کمالات کردند و صاحب تصنیف اند حضرت شیخ وحدت تاریخ ارتحال شان بظلم کشیدہ فرمودہ اند :-

جبریل صفت رفت سوئے عالم بالا
گو بودہ ولی شیخ محمد یحییٰ

آن عارف با اللہ تبارک و تعالیٰ
تاریخ و حالش چو پیر سید عزیزان

ایشان را سه پسر و یک دختر بود شیخ ضیاء الدین یوسف عرف میان چلو شیخ زین العابدین عرف
 میان فقیر الله شیخ محمد امام لا عقب له شیخ ضیاء الدین یوسف الحروف شیخ چلو در سنه
 پیدا شدند و در سنه ۷۸۰ بصره ششاد و ششاد وفات یافتند دو پسر و چهار دختر داشتند
 شیخ حسن علی معروف به شاه چراغ شاه احمد شاه چراغ را سه پسر و سه دختر غلام محیی عرف
 میان محمدی محمد باقر مشهور میان حاجی محمد سعادت الله غلام محیی را یک پسر
 غلام نقشبند لا عقب له و محمد باقر عرف میان حاجی بتاریخ ۱۰۸۰ بصره وفات
 یافت و یک پسر گذاشت شاهر احمد و سه پسر شاهر حسن شاهر رضا شاهر حسن را یک
 نامعلوم الاسم و طفلی فوت شد و برادرش شاهر رضا را یک دختر و میان محمد سعادت الله بن
 شاه چراغ را یک پسر قدرت الله و دو دختر و شاه احمد برادر شاه چراغ را دو دختر
 و شیخ زین العابدین معروف به شاه فقیر الله فرزند دوم حضرت شاه چلو در سنه ۸۰۰ در سنه
 شریف پیدا شدند و از حضرت محمد نقشبند کسب کردند و بتاریخ نهم رمضان المبارک ۸۰۰
 بصره پنجاه و چهار وفات یافتند و هفت پسر و دو دختر گذاشتند نور الله محمد رضا محمد روشن
 در ولایت احمد شاه گدا ضیاء احمد رضی الدین شاه نور الله احد فرزند نخستین شاه فقیر الله از جد
 مادری خود حضرت وحدت کسب سلوک کردند و در سنه ۸۳۰ وفات نمودند دو پسر داشتند
 محمد برهان الله محمد محفوظ محمد برهان الله هم از حضرت وحدت کسب طایفه کردند و بتاریخ
 ۸۳۰ شوال ۸۵۰ وفات یافتند ایشان را نیز دو پسر بودند محمد صفی الله محمد رضوان الله محمد صفی الله
 بتاریخ ۲۵ رمضان ۸۵۰ بصره و هشت وفات یافت و دو پسر گذاشت صمصام الله
 نجفی الله لا عقب له صمصام الله را دو پسر و یک دختر میان نجم الدین میان قمر الدین لا عقب له
 میان نجم الدین را سه پسر و دو دختر حافظ جمیل الرحمن حافظ حمید الرحمن مولوی شفیق الرحمن

حافظ جمیل الرحمان را سه پسر محمد اشرف عبد الله نجم الدین و بهر ساز و والد له جدا جدا
محمد اشرف و عبد الله لا عقب بهما فوت شدند نجم الدین را یک پسر جمیل الرحمان سلمه ربّه
و حافظ حمید الرحمان را دو پسر و دو دختر عبید الرحمن رشید الرحمن و مولوی شفیق الرحمان
در ۱۲۸۹ در مدینه منوره وفات یافت و یک دختر گذاشت منسوب به حصوم شاه مولوی
عبید الرحمن را از بطن غیر مجد و یک دختر شده بود و طفلی فوت شد مولوی رشید الرحمن
را دو پسر حبیب الرحمن و خلیل الرحمن و محمد رضوان الله برادر محمد صفی الله بتا سنخ ۲۷
رمضان ۱۳۰۰ بعمر پنجاه و پنج وفات یافت و یک پسر و یک دختر گذاشت غفران الله
غفران الله را یک پسر محمد خلیل که در تاشقند سکونت اختیار کرده بودند و در ۱۳۰۲
در بخارا انتقال فرمودند ایشان را یک پسر محمد یحیی که قبل از پدر بزرگوار وفات نمود
و شیخ محمد محفوظ برادر محمد برهان الله را یک پسر محمد تامون لا عقب له شیخ محمد رضا پسر دوم
شیخ فقیر الله را سه دختر - شیخ محمد روشن پسر سوم شیخ فقیر الله را دو پسر و سه دختر شیخ غلام محمد
شیخ محمد شی شیخ غلام احمد را سه پسر و یک دختر و حبیب احمد رضا احمد ظهیر احمد و حبیب احمد را یک پسر
وزیر احمد - وزیر احمد را سه پسر میر حیدر میر اکبر لا عقب له میر احمد میر حیدر را دو پسر غلام محمد
سعید احمد لا عقب له غلام مرتضی را سه پسر رؤف احمد محبوب احمد رشید احمد پسرین اولین
رحلت کردند و اخیر حیات است سلمه ربّه و میر احمد در ملک قشقر ضلع بدخشان
بودند یک دختر گذاشته وفات کردند رضا احمد را یک پسر و دو دختر غیر معلوم الاسم
و الحال و برادرش ظهیر احمد مجدوب بود و عقب ایشان معلوم نشد شیخ محمد شیخ محمد شیخ محمد
محمد روشن را یک پسر نذر احمد و یک دختر - نذر احمد را یک پسر نظیر احمد و یک پسر
حافظ مولوی خلیل احمد که در ۱۳۱۵ در امپور پیدا شدند لا عقب له شیخ درویش احمد پسر

چهارمی شاه فقیر الله را دو پسر و یک دختر شاه کمال الدین شاه وجیه الدین شاه و کمال الدین
 را سه پسر فیض معصوم فیض احمد میان تجور الاعقب للاول و الآخر میان فیض احمد را دو پسر
 دو دختر غلام محی الدین غلام جیلانی لاعقب للثانی غلام محی الدین را دو پسر و یک دختر
 فیض حسین حکیم احمد حسین لاعقب للاول حکیم احمد حسین را پنج پسر و چهار دختر مولوی امداد
 مولوی ارشاد حسین مولوی اعجاز حسین میان ممتاز حسین میان سرفراز حسین مولوی
 امداد حسین مرحوم در سال وفات یافت دو پسر و سه دختر داشتند حافظ اولاد حسین
 میان ابوالسعادات لاعقب لهما و حضرت مولوی ارشاد حسین عالم و فاضل و محقق
 کامل بودند بتاریخ پانزدهم جمادی الاخری ساله در امپور وفات یافتند پنج
 پسر و سه دختر داشتند احسان حسین عرفان حسین و طفلی فوت شد معوان حسین ضوان
 ریحان حسین مولوی احسان حسین را دو پسر و سه دختر و جواد حسین سجاد حسین مولوی
 معوان حسین را یک پسر اسحاق حسین رضوان حسین انتقال نمود عقبش معلوم نشد
 ریحان حسین را دو پسر سلطان حسین اکرام حسین و مولوی اعجاز حسین برادر مولوی ارشاد حسین
 را چند پسر و دختر بود الحال پنج پسر و دو دختر موجودند اعزاز حسین عرف میان محمد در سال
 بهرست سال رحلت کرد ابرار حسین الذار حسین احرار حسین مختار حسین ابرار حسین را
 یک پسر ذوالفقار حسین الذار حسین بطفلی فوت شد احرار حسین را دو دختر بطفلی فوت
 شدند و مولوی مختار حسین را عقب معلوم نشد و مولوی ممتاز حسین برادر مولوی
 ارشاد حسین را یک دختر و میان سرفراز حسین برادر اصغر مولوی ارشاد حسین را اولاد
 معلوم نشد شاه وجیه الدین برادر شاه کمال الدین را دو پسر سراج معصوم لاعقب له
 نور معصوم و برادر یک پسر ظهور معصوم و برادر عقب معلوم نشد حضرت شاه گدالپسر خجسم

شاه فقیر الله را که بتاریخ نهم رجب ساله وفات کردند یک پسر سعید احمد و پسر یک پسر
 شریف احمد که بمذوب الحال بود بتاریخ نوزدهم رجب ساله وفات یافت و یک دختر
 گذاشت شیخ ضیاء احمد پسر ششم شاه فقیر الله را سه پسر و دو دختر شیخ یحیی احمد شیخ رضا احمد
 شیخ زین الدین شیخ یحیی احمد را یک پسر شیخ تنار احمد و سه دختر شیخ تنار احمد را پنج پسر و
 سه دختر معصوم احمد عزیز احمد رفیق احمد مقصود احمد لا عقب له میر احمد معصوم احمد را
 دو دختر غیر معلوم الحال عزیز احمد را دو پسر و پسر احمد امین احمد وزیر احمد را دو پسر و چهار دختر
 حمید احمد یعقوب احمد میان حمید احمد را چهار پسر و دو دختر و حمید احمد سعید احمد فرید احمد
 ندیم احمد و حمید احمد را از بطن زوجه اولی یک دختر شده بود که همراه مادرش رحلت نمود
 و از زوجه ثانیه دو پسر و سه دختر محمد احمد محمد موسی پسر اول و دوم و دختر ثانیه رحلت کردند
 باقی بقید حیات اند سلیم بهم و حافظ سعید احمد که در لاهور وفات یافت چهار پسر
 و سه دختر سید احمد حبیب احمد محمود احمد مقصود احمد و فرید احمد را چهار پسر جمیل احمد
 شکیل احمد جلیل احمد امیر احمد پسر سومی در طفلی رحلت کرد و الباقون سلیم بهم حافظ
 ندیم احمد را چهار پسر و یک دختر محمد صادق محمد حسن محمد ابراهیم محمد مدنی مولوی سید احمد
 فرزند حافظ سعید احمد را شش پسر و چهار دختر قدیر احمد سلطان احمد هر دو بطفلی فوت
 شدند غفور احمد عزیز احمد صدیق احمد محبوب احمد سلیم بهم مقصود احمد را دو دختر حافظ
 جمیل احمد پسر فرید احمد را سه پسر و پنج دختر امین احمد بطفلی فوت شد نصیر احمد جلیل احمد
 حافظ شکیل احمد را یک پسر و دو دختر سلطان احمد بطفلی فوت شد و حاجی فرید احمد را از
 بطن زوجه ثانیه سیده شش پسر و دو احمد سردار احمد ایاس احمد هر دو اخیر بطفلی فوت شدند
 وکیل احمد بشیر احمد سلطان احمد وکیل احمد هم در صغر سن وفات یافت میان یعقوب احمد

برادر جمید احمد رانہ پسر شدہ بودند نیز احمد مشتاق احمد اسحاق احمد یسین احمد
اشفاق احمد عرفان احمد انوار احمد وسیق احمد عمران احمد همه فوت شدند
امین احمد برادر وزیر احمد را یک دختر میان رفیق احمد برادر عزیز احمد را چهار پسر و دو دختر
حافظ طفیل احمد میان لطف احمد امیر احمد شہید نام چهارم معلوم نشد لا عقب للآخرین
حافظ طفیل احمد را چهار پسر و یک دختر حافظ نسیم احمد مولوی وسیم احمد قسیم احمد جمیم احمد
آخرین لاولد رحلت کردند حافظ نسیم احمد راسد دختر مولوی وسیم احمد راسد پسر و هفت دختر
شدہ بود مختار احمد مشتاق احمد محبت احمد از ان جملہ مختار احمد زندہ است سلمہ ربہ
باقی فوت شدند لا عقب لہم و میان لطف احمد از بطن زوجہ اولی دو پسر غیر معلوم
الاسم و چهار دختر از بطن زوجہ ثانیہ دو پسر شریف احمد سلمہ ربہ و برادرش نامعلوم
الاسم و پنج دختر میان نیز احمد پسر پنجی شیخ شاد احمد کہ در ۵۳۰ تقریباً در بلدہ بجوپال
وفات یافتند یک پسر گذاشتند حافظ شاد وزیر حسین کہ در حیدر آباد دکن مقیم بودند
و بہو نجا در سن ۳۰ رحلت کردند ایشان از زوجہ اولی مجد دیہ ہشت پسر و چهار دختر
اقبال حسین کلان لا عقب لہ حافظ نواب حسین حافظ امیر حسین لا عقب لہ سید احمد
لا عقب لہ اقبال حسین خور و عرف دولہ میان احمد حسین و میر حسین منیر حسین لا عقب لہا
و از زوجہ ثانیہ سیدہ دو پسر و سد دختر محی الدین حسین مقبول حسین سلمہا اللہ تعالیٰ حافظ
نواب حسین کہ در کاثیا وارڈ مسموم شہید شدند و سہ را دو پسر و دو دختر با شاد حسین
سرور حسین باو شاد حسین را دو پسر غیر معلوم الاسم در حیدر آباد دکن مراد حسین معروف
بہ سلطان حسین نیز در دکن میباشند اقبال حسین خور در ایک دختر احمد حسین ایک
پسر خور و سال نامش معلوم نشد در حیدر آباد دکن۔ شیخ رضا احمد پسر دوم شیخ ضیاء احمد

یک پسر و یک دختر شیخ قادسی معروف بعلامه قادسی شیخ قادسی را یک پسر و یک دختر
 حافظ غلام تقی حافظ غلام تقی را یک دختر شاه زین الدین پسر سوم شیخ ضیاء احمد
 بتاریخ چهارم ذی حجه ۹۲۰ بمصر و شش وفات نمود ایشان را یک پسر و دو دختر بود
 میان نصیر الدین - میان نصیر الدین را چهار پسر و چهار دختر میان فصیح الدین حافظ قطب الدین
 مولوی حسین الدین میان جلال الدین میان فصیح الدین را یک پسر میان محمد حسن
 و دو دختر میان محمد حسن در شهر بھوپال مقیم بودند و بموختار در ماه شعبان ۱۰۳۰ وفات نمودند
 ایشان را دو پسر و یک دختر احمد حسن محمود حسن - احمد حسن را احوال و خلف معلوم نشد
 محمود حسن را دو پسر و یک دختر سجاد حسین علی حسن و حافظ قطب الدین بتاریخ ۹۵۰
 ۱۰۳۰ در بلده را بمپور انتقال کردند ایشان را سه پسر و دو دختر حافظ اکرام احمد مولوی
 علاء الدین میان ضیاء الدین حافظ اکرام احمد المتخلص بضیغ را از زوجة محمد و به دو پسر
 و یک دختر حافظ محمد موسی لا عقب له میان منصور احمد پس ایشان در مقام شایسته
 ضلع برسیال ملک بنگال رفته اقامت کردند آنجا نکاح کردند از آن دو پسر ابو الفیض
 حصار شریعت و ابو الفتح ظهور قدوس شاه منصور احمد را دو پسر و یک دختر منظور احمد
 مقبول احمد در مدینه منوره وفات یافت حافظ منظور احمد نیز در آنجا وفات یافت
 و سه را چهار پسر و چهار دختر مسعود احمد محمود احمد نام دو پسر دیگر معلوم نشد مقبول احمد
 برادر منظور احمد را دو دختر و دو پسر و طفلی فوت شدند محمود احمد را دو پسر و یک دختر سعید احمد
 منصور احمد همه فوت شدند لا عقب لهم و حصار شریعت مع اهل خود در ملک برسیال
 مقیم اند از اولاد ایشان آگهی نشد و ظهور قدوس را یک پسر و طفلی وفات یافت
 و مولوی علاء الدین را که در ۹۹۰ در بلده را بمپور وفات کردند یک پسر و دو دختر

شده بود و شادالدین که بعهده شیرکانش در طفلی فوت شدند و میان ضیاءالدین اعتقش
 معلوم شد مولوی معین الدین برادر حافظ قطب الدین را که در ۶۵۰ هجری در مکه معظمه رحلت
 کردند یک پسر و یک دختر بهین الدین - میان بهین الدین را یک دختر - میان
 جلال الدین برادر مولوی معین الدین را که در بھوپال انتقال کردند یک پسر و دو دختر
 مولوی کمال الدین مولوی کمال الدین بتاریخ سوم ربیع الاول ۹۹۰ هجری در بلده
 بھوپال رحلت کردند و پسر و یک دختر گذاشتند میان جمال الدین میان بهاء الدین
 حافظ جمال الدین را پنج پسر شیر الدین احمد جمیل الدین احمد نصیر الدین احمد نصیر الدین احمد یاقوت الدین
 معلوم شد از اینها اول و ثالث حیات اند میان شیر الدین یک پسر دار و نذر احمد میا
 بهار الدین را اولاد معلوم شد شیخ رضی الدین پسر هفتم شاه فقیر الله که بتاریخ بستم
 چهارم رمضان ۱۰۰۰ هجری وفات یافتند و سه را یک پسر و یک دختر شیخ محمد شرف
 شیخ محمد شرف را چهار پسر و سه دختر حسن احمد ذرا احمد لا عقب له شعور احمد شکور احمد
 حسن احمد را یک پسر حسین احمد ویرا عقب معلوم شد و شعور احمد را یک پسر شاه روضه
 و یک دختر حضرت شاه رؤف احمد جامع علوم صوری و معنوی و خلیفه حضرت
 شاه غلام علی و بلوی قدس سره بودند و جامع ملفوظات و مکتوبات و مقامات
 ایشانند و در حال ایشان کتابی بسیط موسوم بحجۃ ابر علویه نگاشته اند و تفسیر قرآن شریف
 مستطیع به رؤفی در اردو دارند سند حدیث از شاه سراج احمد و از مولانا شاه عبدالعزیز
 محدث و بلوی داشتند و قرن شاعری از جرات کسب کردند و رفت تخلص مینمودند و
 در ۱۰۰۰ هجری چهاردهم محرم در امپور پیدا شدند و بتاریخ ۲۰ ذی قعد ۱۰۵۳ هجری بمقام
 بندر لیت واقع ملکین وفات یافتند و پسر و دو دختر گذاشتند شاه خطیب احمد

مولوی حبیب احمد شاه خطیب احمد قدس سره مرفرشته صفت بود بتاریخ ۹ رمضان
 ۱۲۲۷ روز دوشنبه پیداشدند و در ۲۶ رحلت نمودند ایشانرا دو پسر و یک دختر
 محمد ابوالبرکات عبدالمالک ابوالاحمد والد هرسه از سادات است مولوی محمد ابوالبرکات در
 ۱۲۵۸ در بھوپال پیداشدند و در ۲۶ در مدینه منوره رحلت کردند ایشانرا دو پسر و یک
 منوره یک پسر محمد حمزه شده بود که در طفلی وفات یافت و حافظ عبدالمعروف حضرت
 ابوالاحمد صاحب حفظه الله تعالی و بارک فی اوقات در ماه رمضان المبارک ۱۲۷۰
 در بلده بھوپال پیداشدند و همونجا در خانقاه جدا مجد خود بر سرندار شاو بر جاده مستقیم
 مقیم اند ایشانرا چهار پسر و سه دختر در طفلی فوت شدند میان احمد میان محمد میان اسحاق
 میان محمد یوسف و چهار پسر و یک دختر موجود اند میان محمد ابراہیم میان محمد اسماعیل
 میان محمد یعقوب محمد عباس سوائے پسرین اخیرین همه فوت شدند محمد ابراہیم
 یک پسر در دمشق و میان جان مولوی حبیب احمد برادر شاه خطیب احمد مرید
 پدر خود بودند بتاریخ نهم رمضان ۱۲۸۰ روز دوشنبه پیداشدند و در ۲۲ در بلده
 بھوپال انتقال کردند و دختر گزاشتند و میان نکو احمد پسر چارپی شیخ محمد شرف
 چهار پسر و یک دختر میان مجیب احمد میان نیاز احمد میان صدیق احمد لا عقب له
 میان خورشید احمد میان مجیب احمد را یک دختر میان نیاز احمد را پنج پسر میان
 کمال احمد میان عبدالحق میان غیب احمد میان لحاظ احمد لا عقب له نام پنجم معلوم
 نشد میان کمال احمد را یک پسر و دو دختر حسین احمد میان عبدالحق سلمه رب
 را که در بھوپال سکونت دارند سه دختر و میان غیب احمد را یک پسر عجیب احمد سلمه رب
 و چهار دختر عجیب احمد را یک پسر غیر معلوم الاسم و شاه خورشید احمد را در ۱۲۹۱

در مکہ مکرمہ رحلت کردند پس رسد دختر میان قیوم احمد میان معصوم احمد میان محمد احمد
 را عقب لہامیان قیوم احمد را سلمہ ربیعہ چارہ پسر و دو دختر است فضل احمد سعید احمد
 غلام حضرت میان بزرگ - سلمہ الله من بقى منهم و رحمہم السلام

بانتہام رسید تمہ عنبرہ المقامات

و انتخاب ہدیہ احمدیہ فی انساب المجدیہ للشیخ احمد ابو الخیر مکی رحمہ اللہ

اخذ مؤلف

بخدمت حضرات کرام اینکہ آنچه در این کتاب اغلاط بینند یا نامہائے
 بزرگان سلف و خلف بغیر القاب ہندیہ یا بند یا زیاد و کم در تحریر نگاہ باشند
 معذور دارند کہ مؤلف آنچه داخل کتاب کردہ است یا انتخاب عمدۃ المقامات و
 ہدیہ احمدیہ است یا نقل خطوط حضرات ساکنین افغانستان کہ قبل از تحریر
 کتاب بچند سال رسیدہ اند یا آنکہ علم مؤلف بآن رسیدہ و معلوم است
 کہ کارکنان قضا و قدر تا وقت تحریر کتاب در فقر افنا و ایجاد و محو و اثبات بسیار
 کردہ باشند بہر حال من بعجز و قصور معترفم - پس باید کہ باصلاح آن گوشزد
 اَصْلَحَ اللّٰهُ تَعَالٰی حَالَكُمْ وَمَا لَكُمْ - وَكَانَ الْفِرَاقُ مِنْ تَالِيفِ هَذَا الْكِتَابِ يَوْمَ
 الْاَحَدِ السَّادِسِ وَالْعِشْرَيْنِ مِنْ شَهْرِ رَجَبِ الْفَرْدِ س ۱۴۰۰

وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ